



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت
علیهما الصلوة
والتسلیم

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

آثار اعتقادیہ

امام زمان علیہ السلام



ہادی قندھاری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آثار اعتقاد به امام زمان علیه السلام

نویسنده:

هادی قندهاری

ناشر چاپی:

منیر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

| | |
|----|--------------------------------------|
| ۵ | فهرست |
| ۷ | آثار اعتقاد به امام زمان علیه السلام |
| ۷ | مشخصات کتاب |
| ۷ | مقدمه |
| ۷ | پایه اصلی دین |
| ۸ | شرط ایمان |
| ۹ | توحید عملی |
| ۱۰ | بندگی خداوند |
| ۱۱ | شرط قبول اعمال |
| ۱۳ | در عوالم و ادیان قبل |
| ۱۴ | برترین راه تقرب به خداوند |
| ۱۵ | تنها راه نجات |
| ۱۷ | شرط لازم برای مغفرت حق |
| ۱۸ | هدایت الهی |
| ۱۹ | برترین نعمت خداوند |
| ۲۰ | در معرفت امام زمان |
| ۲۲ | سبب علو مقام پیروان |
| ۲۴ | تذکرات |
| ۲۴ | عمل، لازمه ولایت و دوستی اهل بیت |
| ۲۴ | وعده و وعید خداوند به محبین |
| ۲۵ | نهی از غلو در شأن اهل بیت |
| ۲۵ | شرط ولایت اهل بیت برائت از دشمنان |
| ۲۶ | تنها محبت اهل بیت کافی نیست |

- اولویت ولایت، بر دیگر فرائض ۲۶
- لزوم تربیت فرزندان بر ولایت آل محمد ۲۷
- درجات بالاتر ولایت، با تقاضای از خدا ۲۸
- خاتمه ۲۸
- درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۲۹

آثار اعتقاد به امام زمان علیه السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه: قندهاری هادی ۱۳۳۴ - عنوان و نام پدیدآور: آثار اعتقاد به امام زمان علیه السلام / هادی قندهاری مشخصات نشر: تهران نشر منیر ۱۳۷۸. مشخصات ظاهری: ۸۶ ص. شابک: ۴۵۰۰ ریال ۳-۳۶-۱-۵۶۴-۹۶۴؛ ۳۹۰۰ ریال (چاپ دوم)؛ ۴۳۰۰ ریال (چاپ سوم)؛ ۴۳۰۰ ریال (چاپ چهارم)؛ ۵۵۰۰ ریال (چاپ پنجم)؛ ۸۵۰۰ ریال (چاپ هشتم)؛ ۱۱۰۰۰ ریال (چاپ نهم)؛ ۱۲۰۰۰ ریال (چاپ دهم) یادداشت: فارسی - عربی. یادداشت: چاپ دوم ۱۳۷۹. یادداشت: چاپ سوم ۱۳۸۰. یادداشت: چاپ چهارم ۱۳۸۰. یادداشت: چاپ پنجم ۱۳۸۲. یادداشت: چاپ هشتم ۱۳۸۶. یادداشت: چاپ نهم ۱۳۸۷. یادداشت: چاپ دهم ۱۳۸۸. یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم ۲۵۵ق موضوع: مهدویت موضوع: ولایت - احادیث رده بندی کنگره: ۴/۲۲۴/۴BP/۲۸۵ ۱۳۷۸ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲ شماره کتابشناسی ملی: ۱۷۰۳۸-۷۸-۱۷۰۳۸

مقدمه

مقدمه پیش از آن که به بحث در اصل مهدویت پردازیم، لازم است بدانیم که اصولاً جایگاه این بحث در اعتقادات شیعی کجا است؟ آیا اعتقاد به ظهور حضرت مهدی علیه السلام و آشنایی و معرفت به آن حضرت و انتظار ظهور آن حضرت و توجه و توسل به آن حضرت ضرورت دینی دارد، و یا اینکه مسلمانی بدون آن نیز امکان پذیر است! اصولاً تا انسان به اهمیت چیزی پی نبرد، به آن دل نمی دهد و برای آن همت نمی گمارد و آن طور که شایسته است به آن ارج نمی گذارد. لذا است که گفتگوی در این زمینه را در ۱۴ فصل زیر دنبال می کنیم. [صفحه ۱۱]

پایه اصلی دین

پایه اصلی دین از این تقسیم بندی عرفی و مشهور که اعتقاد به ولایت و امامت در اصول مذهب قرار گرفته، برخی به غلط این نتیجه را گرفته اند که اعتقاد به امامت و ولایت اهل بیت علیهم السلام ضرورت اسلامی نداشته، ایمان اسلامی بدون آن امکان پذیر است! در حالی که نصوص دینی، خلاف این دیدگاه را اثبات می کند. حضرت باقر علیه السلام فرمودند: بنی الاسلام علی خمس: علی الصلاه و الزکاه و الصوم و الحج و الولایه و لم یناد بشیء کما نودی بالولایه، اسلام بر پنج پایه بنا شده است: بر نماز و زکات و روزه و حج و ولایت و برای هیچ کدام از چهار اصل قبلی به اندازه ولایت، سفارش نشده است. سپس امام فرمودند: فاخذ الناس باریع و ترکوا هذه - یعنی الولایه. ولی مردم، چهار اصل قبلی را گرفته، ولایت را رها کرده اند. [۱]. [صفحه ۱۲] این روایت، اولویت ولایت را بر چهار اصل عبادی اسلام، یعنی بر نماز و زکات و حج و ولایت نشان می دهد. در روایت دیگری از امام باقر علیه السلام ولایت اهل بیت علیهم السلام بالاترین حقیقت دینی معرفی شده است. آنجا که می فرمایند: ذروه الامر و سنامه و مفتاحه و باب الاشیاء و رضا الرحمن، الطاعه للامام بعد معرفته. [۲] بالاترین و مرتفع ترین امر دین و کلید همه امور دینی و مدخل آنها، و مایه خرسندی خدای جهان، اطاعت از امام پس از معرفت او است. بنابر این، ولایت اهل بیت علیهم السلام فرع دین نبوده، همه دین (غیر از توحید و نبوت) فرع ولایت محسوب می شود. در روایتی از امام صادق علیه السلام که گزارش معراجهای مکرر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به ملکوت آسمانها است، اولویت ولایت اهل بیت بر دیگر فرائض و مبانی دین این گونه ترسیم شده است: عرج بالنبی صلی الله علیه و آله و سلم الی السماء مئه و عشرين مره، ما من مره الا و قد اوصی الله عز و جل فیها النبی صلی الله

علیه و آله و سلم بالولایه لعلی و الائمه علیهم السلام اکثر مما اوصاه بالفرائض. [۳] پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم صد و بیست بار به معراج رفت، در هر بار خدای بزرگ، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را بیش از آن که به واجبات دینی توصیه نماید به ولایت علی و ائمه علیهم السلام توصیه می فرمود. پس امر ولایت از همه واجبات دینی اوجب و از یکایک فرائض الهی [صفحه ۱۳] مهم تر است. درجه این اهمیت چنان است که در فرمایش دیگری از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دوستی اهل بیت علیهم السلام اساس دین معرفی شده است. امام صادق علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: ... و لکل شیء اساس و اساس الاسلام حینا اهل البیت. [۴] هر چیزی پایه هایی دارد و پایه اسلام، محبت ما اهل بیت است. حضرت باقر علیه السلام در مقام بیان پایه های دین، پس از معرفی نماز و زکات و روزه و حج و ولایت به عنوان ارکان دین، در پاسخ سوال زراره که پرسید: کدامیک از این ارکان پنجگانه افضل است، فرمودند: الولایه افضل لانها مفتاحهن و الوالی هو الدلیل علیهن. ولایت از دیگر مبانی برتر است. زیرا که کلید آنها ولایت است، پیشوای الهی مردم را به روش انجام آنها راهنمایی می نماید. [۵] نکته قابل توجه اینجا است که از پنج رکن (نماز، زکات، روزه، حج و ولایت) یاد شده، در چهار اصل آنها عذر موجه افراد در ناچارها پذیرفته است و شارع مقدس تخفیف قائل گردیده است، مثل اینکه در سفر، نماز شکسته شده، زکات تا زمانی که مال به حد نصاب نرسد واجب نبوده، روزه بر بیمار و مسافر و پیر واجب نیست، حج به شرط استطاعت واجب می باشد. ولی ولایت با هیچ عذری از دوش افراد برداشته نشده، در همه شرائط و حالات، افراد به معرفت و اطاعت امام، موظف بوده و بدان آزموده می گردند. [۶] حضرت باقر علیه السلام فرمودند: [صفحه ۱۴] لا یعذر الله یوم القیامه احدا یقول یا رب لم اعلم ان ولد فاطمه هم الولاه علی الناس کافه خداوند روز قیامت، عذر کسی را که بگوید: من از اینکه فرزندان حضرت فاطمه پیشوای همه مردم بوده اند خبر نداشتم، نمی پذیرد. [۷] پس زبیده است که ما نسبت به این اصل که مهمترین رکن دینی (پس از توحید و نبوت) قلمداد شده است، توجه و اهتمام بیشتری ورزیم. [صفحه ۱۵] پاورقی [۱] کافی ۱۸:۲ ح ۳ و ۱ و ۸. [۲] کافی ۱۹:۲ ح ۵. [۳] بصائر الدرجات ۹۷:۲ - خصال ۲۳:۲. [۴] کافی ۴۶:۲ ح ۲ - بحار ۳۴۳:۶۸ ح ۱۵ و ۲۸۱ ح ۳۴ - محاسن: ۲۸۶. [۵] محاسن: ۲۸۶ - تفسیر عیاشی ۱۹۱:۱. [۶] کافی ۲۲:۲ ح ۱۲ از امام صادق علیه السلام و بحار ۳۷۶:۶۸ ح ۲۱ از امام باقر علیه السلام. [۷] بحار ۱۴:۶۸ ح ۱۵.

شرط ایمان

شرط ایمان خداوند متعال در قرآن، برخی از مسلمانان را شایسته مقام ایمان ندانسته، نام مسلمان را مناسب آنان معرفی نموده می فرماید: قالت الاعراب آمنوا قل لم تؤمنوا و لکن قولوا اسلمنا. [۱] اعراب مدعی ایمان شدند، ای پیامبر، به آنان بگو که لیاقت ایمان ندارید، ولی بگویید که ما اسلام آوردیم. پس بین مسلمان و مومن تفاوت است. این تفاوت در کجا است؟ مومن چه اعتقادی دارد که مسلمان ندارد؟ تفاوت ایمان و اسلام، غیر از اعتقاد قلبی و عمل به مبانی دینی، در اعتقاد به اصل مهم ولایت اهل بیت علیهم السلام نهفته است. مومن کسی است که به جانشینان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، از امیرالمومنین گرفته تا حضرت مهدی علیه السلام، به همگی آنان معتقد بوده آنان را جانشینان پیامبر و حجج الهی بداند. کسی که این اعتقاد را ندارد، شایسته لقب مومن نیست. فردی از امام صادق علیه السلام درباره فرق اسلام و ایمان پرسید. امام صادق علیه السلام فرمودند: [صفحه ۱۶] الاسلام هو الظاهر الذی علیه الناس: شهاده ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و ان محمدا عبده و رسوله و اقام الصلاه و ایتاء الزکاه و حج البیت و صیام شهر رمضان، فهذا الاسلام. و قال: الایمان معرفه هذا الامر مع هذا، فان اقر بها و لم یعرف هذا الامر کان مسلما و کان ضالا. [۲] اسلام همان اعتقاد آشکاری است که مردم بر آن هستند. یعنی گواهی به توحید خداوند متعال و نبوت پیامبر اکرم و بر پاداشتن نماز و پرداخت زکات و انجام حج و روزه ماه رمضان، این اسلام است. ولی ایمان عبارت است از اعتقاد به امامت اهل بیت علیهم السلام همراه با مبانی قبل (توحید و نبوت و...) (، پس اگر فرد، به اسلام اقرار نمود و ولایت اهل بیت را نشناخت، مسلمان گمراه

است (مومن نخواهد بود). در روایتی دیگر، حضرت باقر یا امام صادق علیهما السلام ایمان را این گونه توصیف فرموده اند: لا يكون العبد مومنا حتى يعرف الله و رسوله و الاثمه كلهم و امام زمانه و یرد الیه و یسلم له. هیچ کس مومن نخواهد بود مگر اینکه خدا و پیامبرش و همه امامان را بشناسد به معرفت امام زمانش نائل آید و مسائل را به او ارجاع دهد و تسلیم فرمان امام زمانش باشد. [۳]. [صفحه ۱۷] فردی از امیرالمومنین درباره حداقل ایمان و کفر و گمراهی پرسید، امام در پاسخ فرمودند: حد اقل ایمان آن است که خدای بزرگ، خود را به انسان بشناساند، پس انسان به اطاعت خدا اقرار کند، سپس خدا پیغمبرش را بشناساند و انسان به نبوت و دریافت تعالیم دین اقرار کند. (آن گاه خدا) حجت خود بر خلق و گواه بر خلق را به انسان معرفی نماید و انسان به فرمانبرداری او اقرار نماید... و حد اقل گمراهی آن است که انسان حجت خدا در زمین و گواه خدا بر خلق را که خداوند به اطاعت او امر نموده و ولایت او را واجب کرده است نشناسد. [۴] امام کاظم به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: من احب ان یلقى الله عز و جل و قد کمل ایمانه و حسن اسلامه فلیتول الحجه بن الحسن المنتظر صلوات الله علیه. کسی که می خواهد در حالی خدا را ملاقات کند که ایمان او کامل و اسلام او نیکو باشد پس به ولایت حجه بن الحسن که همه در انتظار اویند معتقد شود. [۵] به همین جهت، در زیارت امام زمان علیه السلام خطاب به آن حضرت می گوئیم: السلام علیک یا باب الله الذی لا یوتی الا منه، السلام علیک یا سبیل الله الذی من سلک غیره اهلک. [صفحه ۱۸] سلام بر تو ای دروازه (دین) خدا که جز از طریق آن نمی توان (به سوی خدا) آمد، سلام بر تو ای راه خدا که هر کس غیر آن را رود، هلاک می گردد. پس اعتقاد به ولایت ائمه اطهار علیهم السلام و در زمان حاضر، ایمان به امامت و ولایت حضرت مهدی علیه السلام لازمه ایمان هر مومنی است که بدون آن، کسی به جرگه ایمان وارد نمی گردد. [صفحه ۱۹] پاورقی [۱] حجرات: ۱۴. [۲] تفسیر برهان ۴: ۲۱۲ ح ۵ (ذیل آیه فوق) - کافی ۲: ۲۵ و ۲۴ ح ۴. [۳] کافی ۱: ۱۸۰ ح ۲. [۴] کتاب سلیم: ۵۹ و ۵۸ ح ۹ - کافی ۲: ۴۱۵ و ۴۱۴ ح ۱. [۵] بحار ۲۷: ۱۰۸ ح ۸۰، بنابر این قاعده، منافقینی که از سر ترس یا طمع، اظهار اسلام کردند، و قلبا اعتقادی به توحید یا نبوت نداشتند، در ظاهر و در عالم دنیا مسلمان محسوب می گردند.

توحید عملی

توحید عملی اگر چه حد اقل اسلام، اقرار زبانی به شهادتین است ولی ایمان به توحید، زمانی محقق می شود که فرد به قلب، خدا را پذیرفته خویش را مطیع فرمان او قرار دهد که لازمه این اعتقاد و تسلیم، ایمان به قرآن و نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است. همچنین لازمه چنین ایمانی، اعتقاد به خلفایی است که خداوند برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مشخص فرموده است. پس کسی که به نبوت پیامبر اکرم ایمان نمی آورد، نمی تواند خود را مطیع فرمان خدا معرفی نموده، یکتا پرستی در زندگانی او متجلی نخواهد بود. هم چنین، کسی که به خلفاء راستین پیامبر ایمان نمی آورد، نمی تواند از اعتقاد به خدا و پیامبر دم زند که اگر او به خدا و پیامبر ایمان می داشت، به سخن خدا و رسول در اطاعت از اهل بیت علیهم السلام توجه می نمود. ابو حمزه از حضرت باقر علیه السلام در معنای معرفت خدا پرسید: امام علیه السلام معرفت خدا را این گونه توصیف فرمودند: تصدیق الله عز و جل و تصدیق رسوله صلی الله علیه و آله و سلم و موالاته علی علیه السلام و الائتمام به و بائمه الهدی علیهم السلام و البرائه من عدوهم، هکذا یعرف الله عز و جل. معرفت خدا عبارت است از تصدیق خدای بزرگ و قبول نبوت [صفحه ۲۰] پیامبر اکرم و اعتقاد به ولایت علی علیه السلام و پیروی از آن حضرت و از دیگر پیشوایان الهی علیهم السلام و بیزاری از دشمنان آنان، خدا این گونه شناخته می شود. [۱] در روایت دیگری از حضرت سیدالشهداء امام حسین علیه السلام. پس از آن که آن حضرت، هدف آفرینش را معرفت و عبادت خداوند معرفی فرمودند، فردی از آن حضرت درباره معنای معرفت خدا پرسید، امام فرمودند: معرفه اهل کل زمان امامهم الذی یجب علیهم طاعته. معرفت خدا عبارت است از معرفت مردم هر زمان، آن پیشوایی را که خدا اطاعت از او را بر

آنها واجب ساخته است. [۲] بدین گونه، ائمه علیهم السلام، خداشناس بودن را در معرفت و اطاعت از امام زمان علیه السلام دانسته اند. در سفر تاریخی امام رضا علیه السلام از مدینه به طوس، به هنگام عبور از نیشابور، محدثین بزرگ اهل سنت، افسار قاطری که امام بر آن سوار بودند را گرفتند و امام را به حق پدرانشان سوگند دادند و تقاضا کردند که آن حضرت، روایتی از اجداد خود نقل فرماید. امام علیه السلام سر از کجاوه بیرون آوردند و به نقل از ایشان: امام کاظم، امام صادق، امام باقر، امام سجاد، امام حسین، امیرالمومنین و از پیامبر اکرم نقل کردند که خدای بزرگ فرمود: لا اله الا الله حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی. اعتقاد به توحید، دژ مستحکم من است پس کسی که در این دژ وارد شود (به توحید اعتقاد داشته باشد) از عذاب من در امان است. [صفحه ۲۱] هنگامی که قافله امام حرکت کرد، آن حضرت، حدیثی را که نقل فرموده بودند، این گونه تفسیر کردند: بشروطها و انا من شروطها. اعتقاد به توحید، شرائطی دارد و ایمان به ولایت من، از شرائط موحد بودن است. [۳] از اینروست که در برخی روایات، منکران ولایت اهل بیت علیهم السلام کافر و گمراه معرفی شده اند. زیرا که آنان حجت‌های الهی را نپذیرفته اند. بدین جهت خداوند، اکثریت معتقدین به خدا را مشرک دانسته می فرماید: و ما یومن اکثرهم بالله الا و هم مشرکون بیشتر آنها به خدا ایمان نمی آورند بلکه شرک می ورزند. [۴] این شرک شرک در عبادت نبوده، شرک در اطاعت است. [۵] لذا امام صادق علیه السلام فرمودند: مردم به معرفت ما و ارجاع مسائل به ما و تسلیم امور به ما امر شده اند. (پس) اگر روزه گرفته، نماز خوانده و به توحید شهادت دهند، ولی تصمیم بگیرند که کارها را به ما ارجاع ندهند به این جهت مشرک خواهند بود. [۶] حضرت باقر علیه السلام نیز فرمودند: ان الله عز و جل نصب علیا علیه السلام علما بینه و بین خلقه، فمن عرفه کان مومنا و من انکره کان کافرا و من جهله کان ضالا و من نصب معه شیئا کان مشرکا و من جاء بولایته دخل [صفحه ۲۲] الجنة. خدای بزرگ، حضرت علی علیه السلام را نشانه ای میان خود و مخلوقاتش قرار داد، پس هر کس او را بشناسد مومن بوده و هر که او را انکار کند کافر است و هر کس به مقام او جاهل باشد گمراه است. کسی که دیگری را در مقام او انگارد مشرک است و هر کس با ولایت او (به نزد خدا) آید به بهشت داخل شود. [۷] در زیارت جامعه که منقول از امام هادی علیه السلام است و از معتبرترین زیارات می باشد، نیز می خوانیم: من اتبعکم فالجنة ماویه و من خالفکم فالنار مثویه و من جحدکم کافر و من حاربکم مشرک و من رد علیکم فی اسفل درک من الجحیم. کسی که از شما اهل بیت پیروی کند جایگاه او بهشت بوده، جایگاه مخالفین شما در آتش جهنم است. کسی که مقام شما را انکار کند کافر است، آن کس که با شما به جنگ پردازد مشرک است و کسی که با شما مخالفت کند در پایین ترین درجات جهنم جای خواهد داشت. [صفحه ۲۳] پاورقی [۱] کافی ۱: ۱۸۰ ح ۱. [۲] بحار ۲۳: ۹۳ ح ۴۰. [۳] عیون اخبار الرضا جلد ۲ باب ۳۷ ح ۴ ص ۱۳۴. [۴] سوره یوسف: ۱۰۶. [۵] کافی ۲: ۳۹۷ ح ۴ از امام صادق علیه السلام. [۶] کافی ۲: ۳۹۸ ح ۵. [۷] کافی ۱: ۴۳۷ ح ۷.

بندگی خداوند

بندگی خداوند در مباحث توحیدی مطرح است که خداوند متعال از همه صفات و خصوصیات که در مخلوقات مادی و غیر مادی وجود دارد منزّه و متعالی است. یعنی بین خالق و مخلوق هیچ شباهتی از هیچ جهتی وجود ندارد. بنابر این خداوند متعال، صورت ندارد، دست ندارد، چشم و زبان ندارد، خشم و خشنودی ندارد. این صفات، مربوط به مخلوقات بوده، در خدای تعالی نیست. صورت و دست و چشم و زبان خدا، حجت های او، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت آن حضرت - و در زمان ما حضرت مهدی علیه السلام - می باشند. آنان صورت خدایند، زیرا برای توجه به خدا باید به آنان توجه کنیم. آنها دست خدایند زیرا که خداوند از قدرت خود به آنان اعطا کرده، آنها وسیله دریافت و انتشار لطف و فیض خدا در میان مخلوقاتند. آنها چشم خدا هستند زیرا که امام هر زمان از جانب حق بر مردم آن زمان، شاهد و ناظر می باشد. آنها زبان خدایند، زیرا که دستورات حق را

برای مردم بیان می‌کنند. خشم و خشنودی آنان خشم و خشنودی خدا است و اطاعت از آنان بندگی خدا است. پس بندگی خدا از غیر طریق اطاعت آنان و در غیر راه ولایت آنان انجام نمی‌پذیرد. امام صادق علیه السلام خطاب به ابن ابی یعفور فرمودند: بدرستی که خداوند یگانه و یکتا بوده و در یکتایی خود یگانه [صفحه ۲۴] است، همه امور تنها در دست او است. مخلوقات را آفرید و سپس امر دینش را به آنها واگذار کرد، پس ما آن مخلوقاتیم. ای پسر ابی یعفور، ما حجت خدا در میان بندگان و گواهان خدا بر خلق و امین بر وحی الهی و خزانه دار علم او هستیم. ما صورت خداییم که از آن بسوی خدا توان رفت و ما چشم خدا در میان مخلوقاتیم و ما زبان گویای خداوند بوده، قلبی هستیم که علم او را در بر گرفته، دری هستیم که بسوی او راهنمایی می‌کند. ما عمل کننده به امر او و دعوت کننده به راه او بوده، خدا توسط ما شناخته می‌شود. و از (طریق ولایت) ما بندگی می‌گردد، ما راهنمایان بسوی خدا هستیم و اگر ما نبودیم خدا بندگی نمی‌شد. [۱] آن حضرت در روایت دیگر فرمودند: خدای بزرگ همچون ما ناراحت نمی‌شود، ولی او اولیایی را برای خود آفرید که آنان ناراحت و خشنود می‌گردند. (زیرا که) آنان مخلوق بوده تحت تدبیر خدایند. پس خداوند، خشنودی آنان را خشنودی خود و خشم آنان را خشم خود قرار داده است، زیرا که آنان، دعوت کنندگان بسوی خدا و راهنمایان بسوی او می‌باشند... [۲] همین مضمون را در زیارت جامعه این گونه می‌خوانیم: من اراد الله بدء بکم و من وحده قبل عنکم و من قصده توجه بکم. هر کس که خدا را بخواهد، از شما اهل بیت آغاز می‌کند و آن کس [صفحه ۲۵] که به یگانگی خدا ایمان آورد، آن را از شما اهل بیت می‌پذیرد و هر کس بخواهد بسوی خدا رو کند، به شما اهل بیت توجه می‌نماید. در حدیث قدسی آمده است: ان اعظم الطاعات توحیدی و تصدیق نبیی و التسليم لمن ینصبه بعده و هو علی بن ابی طالب علیه السلام و الائمة الطاهرون من نسله علیهم السلام به درستی که برترین راه بندگی من، اعتقاد به یکتایی من و قبول پیامبر من و تسلیم بودن در برابر کسی است که پیامبر او را منصوب نموده، یعنی علی بن ابی طالب و پیشوایان معصوم از نسل او می‌باشد. [۳] از این روی اگر ما در مقام بندگی خدا و اطاعت از او باشیم، بندگی و عبادت بستری جز ولایت اهل بیت و اطاعت از امام علیه السلام و توجه و توسل به او ندارد. [صفحه ۲۶] پاورقی [۱] التوحید: ۱۵۲ ح ۹. [۲] التوحید: ۱۶۹ و ۱۶۸ ح ۲ - کافی ۱: ۱۴۵ و ۱۴۴. [۳] بحار ۲۷: ۹۶ ح ۵۹.

شرط قبول اعمال

شرط قبول اعمال آن هنگام که خدا ابلیس را به سجده آدم امر کرد، ابلیس تکبر نموده از خدا خواست که او را از این فرمان معاف داشته در عوض، عبادتی کند که هیچ کس خدا را آن گونه عبادت نکرده باشد! خداوند در پاسخ او فرمود: عبادت آن است که من فرمان می‌دهم نه آن که تو می‌خواهی [۱] یعنی عبادت، اطاعت فرمان خدا است، و تنها به سجده رفتن و تضرع نمودن عبادت نیست. نماز و دعا به شرطی عبادت است که در اطاعت از فرمان خدا باشد. امام صادق علیه السلام فرمودند: به خدا قسم اگر ابلیس پس از نافرمانی و تکبر از اطاعت دستور خدا، به مقدار عمر دنیا بر خدا سجده می‌کرد، برای او سودی نمی‌داشت و خدا از او نمی‌پذیرفت، مگر اینکه او طبق فرمان خدا بر آدم سجده می‌کرد. وضعیت این امتی که بعد از پیامبرش صلی الله علیه و آله و سلم نافرمانی کرده گمراه شده است نیز چنین است. بعد از ترک گفتن پیشوایی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای آنها منصوب کرد، خداوند هرگز عملی از آنها را نمی‌پذیرد و نیکیهای آنها را بالا نمی‌برد، مگر [صفحه ۲۷] اینکه از آن جهتی که خدا امر کرده است بیایند و امامی را که خدا به ولایتش امر کرده اطاعت کنند و از بابی که خدا و رسول برای آنها گشوده اند وارد شوند. [۲] امام باقر یا امام صادق علیهم السلام فرمودند: خاندانی در بنی اسرائیل بودند که در پی چهل روز عبادت، هر چه از خدا طلب می‌کردند، خداوند به آنها مرحمت می‌فرمود. یکی از آنان به عبادتی چهل روزه پرداخت ولی دعای او پذیرفته نشد. به نزد حضرت عیسی شکایت کرد. حضرت عیسی علیه السلام تطهیر نموده نماز خواند. آن گاه به درگاه حق دعا کرد. وحی آمد: یا

عیسی ان عبدی اتانی من غیر الباب الذی اوتی منه، انه دعانی و فی قلبه شک منک فلو دعانی حتی یقطع عنقه و تنتثر انامله ما استجبت له. ای عیسی او از غیر دری که باید بیاید به نزد من آمد. او مرا خواند. اما در دلش نسبت به تو تردید داشت. پس اگر (با این حال، آن قدر) مرا بخواند که گردنش قطع شده انگشتانش جدا شود، دعایش را اجابت نخواهم کرد. حضرت عیسی از او پرسید: آیا تو به نبوت من شک داری؟ او اعتراف کرد و از حضرت عیسی تقاضا کرد که برای او دعا کند تا خدا تردید قلبی او را برطرف سازد، عیسی علیه السلام دعا نموده، خدا توبه او را پذیرفت و دعای او مستجاب شد. [۳]. [صفحه ۲۸] رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز در خطبه غدیریه فرمودند: ای مردم، خدای بزرگ دینش را با امامت علی کامل کرد، پس کسانی که امامت او و جانشینان او از فرزندان من که تا قیامت و حضور در برابر حق می آیند را نپذیرند، اعمالشان در دنیا و آخرت نابود شده در آتش جاودانه خواهند بود. [۴] این مطلب، تعجبی ندارد، زیرا خداوند، قبول زحمات بیست و سه ساله پیامبر در ایام نبوت را نیز به ابلاغ ولایت امیرالمومنین علیه السلام مشروط کرده فرمود: و ان لم تفعل فما بلغت رسالته [۵] اگر وظیفه خود در ابلاغ ولایت علی را انجام ندهی، رسالت خود را انجام نداده‌ای! و در جای دیگر می فرماید: مثل الذین کفروا بربهم اعمالهم کرماد اشتدت به الريح فی یوم عاصف لا یقدرون مما کسبوا علی شیء اعمال کسانی که به خدا کافر شدند. به خاکستری می ماند که در روز طوفانی با تندبادی شدید، از بین رفته، از کوشش خویش بهره‌ای نبرند. [۶] در روایت حضرت باقر علیه السلام، منکرین ولایت اهل بیت علیهم السلام مصداق این آیه معرفی شده‌اند. [۷]. [صفحه ۲۹] لذا امام صادق علیه السلام فرمودند: برای دشمن ما اهل بیت تفاوتی ندارد، چه روزه گرفته نماز بخواند و یا زنا کرده دزدی کند، او در آتش خواهد بود، او در آتش خواهد بود. [۸] در عصر حاضر نیز، آن بابی که هیچ عبادتی جز از طریق ولایت او پذیرفته نیست، وجود مقدس امام زمان علیه السلام است. در زیارت جامعه، خطاب به این بزرگواران می گوئیم: و بموالیتکم تقبل الطاعة المفترضة. با ولایت شما است که خداوند عبادات واجب را می پذیرد. پس کسی که خدا را از غیر این باب، بندگی کند، خدا از او نخواهد پذیرفت. امام صادق علیه السلام در نامه‌ای به مفضل بن عمر مرقوم فرمودند: کسی که نماز خوانده، زکات بدهد، حج و عمره بجا آورد ولی معرفت آن کس که خدا اطاعت او را واجب ساخته است نداشته باشد، نه نماز خوانده، نه روزه گرفته، نه زکات داده، نه حج و عمره بجا آورده، نه از جنابت غسل کرده و تطهیر نموده، و نه حرامی را رها کرده و نه حلالی را حلال داشته است. برای او نماز نیست هر چند که رکوع و سجود کند، و برای او زکات و حجی نخواهد بود. تمام این اعمال با شناخت آن فردی انجام می شود که خداوند بزرگ با امر به اطاعت او بر مردم منت نهاده است. [۹] مضمون روایات فوق در مجامیع حدیثی شیعه آن قدر زیاد است که فقهاء شیعه در آغاز کتب فقهی خویش، بابی تحت عنوان ابطال العباده بدون [صفحه ۳۰] ولایه الائمه علیهم السلام و اعتقاد امامت‌هم گشوده‌اند. یعنی هر عبادتی که بدون ولایت ائمه و اعتقاد به امامت آنها انجام شده باشد باطل است. محدث بزرگ شیعه، مرحوم شیخ حر عاملی باب ۲۹ جلد اول از کتاب وسائل الشیعه خویش را به این مطلب اختصاص داده و در آن ۱۹ حدیث نقل نموده و محدث نوری در مستدرک الوسائل، ۶۶ حدیث دیگر به این مجموعه در این موضوع افزوده است. این قبیل روایات، در کتب اهل سنت نیز نقل شده است. جابر بن عبدالله انصاری از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل نموده که فرمودند: یا علی لو ان امتی صاموا حتی یکنوا کالحنایا و صلوا حتی یکنوا کالواتار و بغضوک لا-کبهم الله فی النار. ای علی اگر امت من آن قدر روزه بگیرند که همچون کمان (گوژ پشت) شده و آن قدر نماز بخوانند که چون زه (لاغر) شوند ولی تو را دشمن بدانند، خداوند آنان را در آتش جهنم می افکند. [۱۰]. [صفحه ۳۱] پاورقی [۱] مضمون فوق در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: بحار ۶۳: ۲۵۰. [۲] وسائل جلد ۱ باب ۲۹ ح ۵. [۳] کافی ۲: ۴۰۰ ح ۹ - مشابه آن در بحار ۱۳: ۳۵۵ ح ۵۳ در عصر حضرت موسی علیه السلام. [۴] احتجاج ۱: ۷۶. [۵] سوره مائده: ۶۷. [۶] سوره ابراهیم: ۱۸. [۷] کافی ۱: ۱۸۴ و ۱۸۴ ح ۸. [۸] عقاب الاعمال: ۲۵۱ ح ۱۸. [۹] بحار ۲۷: ۱۷۶ و ۱۷۵ ح ۲۱. [۱۰] مناقب ابن مغزلی شافعی: ۲۹۷ ح ۳۴۰.

در عوالم و ادیان قبل

در عوالم و ادیان قبل از اینکه جد ما حضرت آدم علیه السلام آفریده شود و ما به خلقت جسمانی به این دنیا منتقل شویم، خداوند متعال ارواح همه انسانها را آفریده [۱] و در آن عالم، در حالی که همه ارواح حضور داشتند، معرفت خویش را به همه ارزانی داشت و بر بندگی خود از آنان میثاق گرفت. [۲] آن گاه خداوند متعال، پیامبر اکرم و امیرالمومنین علیه السلام و دیگر پیشوایان معصوم و در پایان، حضرت مهدی علیه السلام و غیبت و ظهور آن حضرت در آخر الزمان را بر همه ارواح ارزانی داشت [۳] و همگان را به پذیرش ولایت آنان آزمود. در این آزمایش، که در عالم قبل برگزار شد، همچون آزمایش های بعدی آن در دنیا (غدیر، سقیفه، عاشورا و...) همه ایمان نیاورده - با آنکه بر آنان اتمام حجت شده بود - برخی با آن به مخالفت برخاسته، به علت مخالفت با حکم خدا، کافر قلمداد شدند. [صفحه ۳۲] روایاتی که بیانگر مطالب فوق باشد، آن قدر در کتب و جوامع حدیثی شیعه و اهل سنت فراوان است که از حد تواتر گذشته، از مسلمیات اعتقاد اسلامی تلقی می گردد. امام صادق علیه السلام به صحابی بزرگ خود داود رقی فرمودند: هنگامی که خدای بزرگ اراده کرد مخلوقات را بیافریند، آنان را آفرید و در مقابل پراکنده ساخت، آن گاه به آنان گفت: پروردگار شما کیست؟ پس اول کسی که سخن گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم امیرالمومنین و ائمه صلوات الله علیهم اجمعین بودند. آنان گفتند: خدایا تو پروردگار ما هستی. لذا خداوند آنان را حامل علم و دین خود فرمود. آن گاه به ملائکه فرمود: اینان حاملان دین و علم من بوده امین من در میان خلقم هستند، و (درباره) آنان پرسش خواهد شد. آن گاه خدا به (ارواح) آدمی زادگان گفت: به ربوبیت خدا و (لزوم) اطاعت و ولایت این افراد (اهل بیت) اقرار کنید... سپس امام، در پایان حدیث فرمودند: ای داود، ولایت ما در عالم میثاق (قبل از دنیا) مورد تاکید بوده است. [۴] حضرت باقر علیه السلام فرمودند: اگر مردم می دانستند که (حضرت) علی در چه زمان به (لقب) امیرالمومنین نامیده شد ولایت او را انکار نمی کردند! راوی پرسید: خدا شما را رحمت کند، چه زمان به این لقب ملقب شد؟ فرمودند: آن زمان که خدای بزرگ، فرزندان آدم را از پشت آنها بیرون کشید و آنان را بر خویش گواه گرفته فرمود: آیا من [صفحه ۳۳] آفریدگار شما و محمد پیامبر من و علی امیر مومنان نیستم؟ [۵] ولایت نه فقط در عالم قبل به همه انسانها عرضه شد و افراد بر آن آزموده شدند، در عالم دنیا نیز، خداوند متعال، ولایت چهارده معصوم علیهم السلام را در متن تمام کتابهای آسمانی قرار داده، افراد را به ایمان به آن دعوت فرمود. حضرت کاظم علیه السلام فرمودند: ولایه علی مکتوب فی جمیع صحف الانبیاء و لن یبعث الله نبیا الا بنیوه محمد و ولایه وصیه علی علیه السلام. [۶] ولایت حضرت علی در تمامی کتابهای آسمانی انبیاء نوشته شده بود و خدا هیچ پیامبری را به نبوت برانگیخته نکرد مگر اینکه او مامور به دعوت خلق به سوی نبوت محمد و ولایت وصی او علی علیه السلام بود. [۷] این مطلب در کتب اهل سنت نیز به صراحت یافت می شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در گزارش سفر معراج فرمودند: فرشته ای بسوی من آمد و گفت: ای محمد از (ارواح) پیامبرانی که بیش از تو فرستادیم پیرس [۸] که بر چه چیز مبعوث شدند. من پرسیدم. آنان گفتند: بر ولایت تو و ولایت علی بن ابی طالب [صفحه ۳۴] مبعوث شده بودیم. [۹] پس ولایت اهل بیت علیهم السلام در عالم قبل بر همه عرضه گردیده و سیله آزمایش الهی در آن عالم بوده است، چه رسد به این عالم. و انبیاء و ادیان سابق، مامور تبلیغ ولایت بوده اند، چه رسد به این دین! [صفحه ۳۵] پاورقی [۱] آیه ۱۷۲ سوره اعراف بیانگر این حقیقت اعتقادی است. [۲] روایات این بحث بسیار فراوان است که تعدادی از آن را علامه مجلسی قدس سره در بحار جلد ۶۱ باب ۴۲ و ۴۳ نقل نموده است. [۳] در زیارت آل یس نیز به این مطلب اشاره شده است: السلام علیک یا میثاق الله الذی اخذہ و وکده - سلام بر تو ای کسی که خدا درباره ولایت تو عهد گرفته و آن را محکم ساخت. [۴] بحار ۵: ۲۴۴ ح ۲۶: ۲۲۷ - ۳۳ ح ۵۷: ۹۵ - ۱۹ ح ۸۰. [۵] بحار ۳۷: ۳۰۶ ح ۳۵. [۶] بصائر الدرجات: ۷۲. [۷] اگر چه از کتب آسمانی قبل، معدودی چون تورات و انجیل باقی مانده، آنها نیز به صورتی کامل - تحریف یافته و دستکاری شده

موجودند، ولی هنوز آثار ولایت اهل بیت علیهم السلام در این کتب قابل کشف می باشد. رجوع کنید به کتاب ارجمند انیس الاعلام، جلد ۵. [۸] مضمون آیه ۴۳ سوره زخرف. [۹] تاریخ دمشق، ترجمه الامام علی - ابن عساکر ۹۷:۲.

برترین راه تقرب به خداوند

برترین راه تقرب به خداوند مسلماً راه تقرب به خداوند، انجام دستورات و دوری از منہیات او است. ولی در میان فرائض دینی، هیچ فریضه ای (پس از توحید و نبوت) به اهمیت ولایت نمی باشد. لذا است که برترین راه تقرب به خدا، ولایت آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در همین زمینه فرمودند: لکل امر سید و حبی و حب علی سید ما تقرب به المتقربون من طاعه ربهم. در هر کاری رتبه برتری وجود دارد، و محبت من و محبت علی، برترین طاعتی است که افراد می توانند از طریق آن به خدا تقرب جویند. [۱] لذا در نظام آفرینش، مقام آن مخلوقی برتر است که در امر ولایت، اعتقاد و اخلاص بیشتری نشان داده باشد. در همین راستا، انبیا در عالم قبل، [صفحه ۳۶] با آزمون ولایت برگزیده شده، مقام رفیع نبوت، به این دلیل به آنان واگذار شد که در آن آزمایش، آنان ولایت را در درجه بالاتری پذیرفته، و نسبت به اهل بیت علیهم السلام خضوع بیشتری داشتند. حضرت باقر علیه السلام فرمودند:... آن گاه خداوند از انبیا میثاق گرفته، فرمود: آیا من پروردگار شما نیستم؟ سپس خداوند فرمود: آیا محمد پیامبر من و علی رهبر مومنین نمی باشد؟ همه آنها پذیرفتند. لذا نبوت آنها تثبیت شد. گزینش انبیای اولوالعزم، از میان گروه کثیر انبیا و رسل نیز به آزمون ولایت و معرفت اهل بیت و پذیرش غیبت و ظهور حضرت مهدی علیه السلام بود. امام باقر در ادامه حدیث فوق فرمودند: و خداوند از پیامبران اولوالعزم عهد گرفت به اینکه: من پروردگار شما و محمد پیامبر من و علی امیر مومنان بوده، جانشینان او صاحب ولایت و خزانه دار علم من خواهند بود و مهدی کسی است که توسط او دین ما یاری کرده، دولت ما را ظاهر می سازم و به واسطه او از دشمنانم انتقام می گیرم و به واسطه او در زمین، با اشتیاق یا کراهت بندگی خواهیم شد. همه آنها گفتند: پروردگارا به همه مطالب فوق اقرار کرده شهادت می دهیم. ولی آدم (توقف نموده) نه انکار کرد و نه اقرار نمود، لذا مقام اولوالعزمی برای آن پنج پیامبر، به علت پذیرش ولایت مهدی تثبیت شده، برای آدم این مقام قرار نگرفت. زیرا او نسبت به مهدی (در ابتداء امر) اقرار نمود. آن گاه امام علیه السلام به این آیه شریفه استناد کردند: [صفحه ۳۷] و لقد عهدنا الی آدم من قبل فَنَسِيَ و لم نجد له عزمًا. [۲] ما از قبل بر آدم عهدی کردیم، ولی آدم عهد ما را فراموش کرد و ما او را صاحب عزم نیافتیم. [۳] ملائکه آسمانها نیز با همین ملاک از میان دیگر مخلوقات، گزیده شده، در این مقام منصوب گردیده، و رمز درجات گوناگون آنان نیز به همین امر برگشت می کند. امام صادق علیه السلام فرمودند: ملائکه الهی با همه تقریبی که به حق متعال دارند، به علت همین اعتقادی که شما بر آن هستید (عقیده ولایت) به مجاورت خداوند راه یافته اند... [۴] در روایت دیگری، آن حضرت، پس از بیان کثرت تعداد ملائکه می فرمایند: ما منهم احد الا و يتقرب كل يوم الى الله بولایتنا اهل البيت و يستغفر لمحبتنا و يلعن اعدائنا همه ملائکه، هر روز با ولایت ما اهل بیت بسوی خدا تقرب جسته، برای محبت ما استغفار نموده دشمنان ما را نفرین می کنند. آن گاه امام علیه السلام، این گونه به قرآن استناد فرمودند: الذین یحملون العرش و من حوله یسبحون بحمد ربهم و یتستغفرون للذین آمنوا [۵]. [صفحه ۳۸] حاملان عرش و اطرافیان آنها (ملائکه)، با حمد پروردگارشان خدا را تسبیح گفته، برای افراد مومن طلب آموزش می کنند. [۶] وقتی پدر ما حضرت آدم علیه السلام به علت عدم یقین به امام زمان علیه السلام، از مقام والای اولوالعزمی تنزل می کند و دیگر انبیا با پذیرش آن به این مقام ارتقاء یابند، آیا در عصر حاضر، برای ما، راهی جز اخلاص در قبول ولایت امام زمان علیه السلام و ارتباط و توسل به آن حضرت در تقرب به خداوند وجود خواهد داشت؟ آری، ولایت امام زمان علیه السلام بالاترین راه تقرب به حق متعال و محکمترین ریسمان ایمان در عصر حاضر است. امام صادق علیه السلام از یکی از اصحابشان پرسیدند: کدام ریسمان ایمان محکمتر است؟ گفتند: نماز، فرمودند: نماز فضیلت دارد، ولی محکمترین ریسمان ایمان

نیست. گفتند زکات. فرمودند: زکات فضیلت دارد، ولی محکمترین ریسمان ایمان نیست. گفتند: روزه ماه رمضان... حج و عمره... جهاد در راه خدا و امام در هر یک، با تأیید فضیلت این اعمال، آن را محکمترین ریسمان ایمان ندانستند. هنگامی که اصحاب از پاسخ ناتوان شدند. امام فرمودند: ان اوثق عری الايمان الحب فی الله و البغض فی الله و توالی ولی الله و تعادی عدو الله. بدرستی که محکمترین و قابل اعتمادترین ریسمانهای ایمان، تولی و تبری و قبول ولایت اولیاء خدا و دشمنی با دشمنان خدا است. [۷]. [صفحه ۳۹] پاورقی [۱] بحار ۲۷: ۱۲۹ ح ۱۹، در زیارت عاشورا نیز ما با ولایت سیدالشهداء و برائت از دشمنان آن حضرت به نزد خدا و اهل بیت علیهم السلام تقرب جسته می گوئیم: یا ابا عبد الله انی اتقرب الی الله و... بموالاة تک و بالبرائة ممن اسس اساس ذلک. [۲] سوره طه: ۱۱۵. [۳] بصائر: ۷۰ ح ۲ - کافی ۲: ۸ ح ۱. [۴] بصائر الدرجات: ۶۸. [۵] سوره غافر: ۷. [۶] بحار ۶۸: ۷۸ ح ۱۳۹. [۷] محاسن: ۱۶۵ ح ۱۲۱.

تنها راه نجات

تنها راه نجات همان طور که در فصل اول گفته شد، ایمان غیر از اسلام است. مسلمان (گوینده شهادتین) از اسلام خویش در دنیا بهره مند می شود: ارث می برد، ازدواج می کند و از حقوق یک مسلمان در جامعه بهره مند است. ولی مومن، یعنی آن کس که مطیع ولایت آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است، علاوه بر اینکه در بهره وری از آثار دنیوی اسلام، با مسلمان برابر است، مزیتی که دارد این است که از آثار معنوی و اخروی ایمان نیز بهره مند است، در حالی که مسلمان غیر مومن از آن بهره ای ندارد. و آن عبارت است از: قبول اعمال و نجات اخروی و شفاعت اولیاء خدا در عالم آخرت. در حدیث شیعه و اهل سنت آمده که عمر بن خطاب از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره صحت این روایت پرسید که: من قال لا اله الا الله محمد رسول الله دخل الجنة. کسی که به توحید و نبوت معتقد باشد، اهل بهشت است. رسول خدا حدیث فوق را تأیید نموده، فرمودند: نعم، اذا تمسک بمحبه هذا و ولایته. آری، بشرط اینکه به محبت علی بن ابی طالب و ولایت او متمسک [صفحه ۴۰] باشد. [۱] یعنی ولایت آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم در دنیا و آخرت به مانند دژ مستحکمی است که انسان را از عذاب الهی حفظ می کند [۲]، زیرا امام رضا علیه السلام در روایتی از اجداد طاهرنشان از رسول خدا از جبرئیل، از میکائیل، از اسرافیل، از لوح از قلم نقل نمودند، که خدای تبارک و تعالی فرمود: ولایه علی بن ابی طالب حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی. ولایت علی بن ابی طالب سنگر من است، هر کس که در این سنگر وارد شود از عذاب الهی ایمن است. [۳] رمز این سخن این است که در مراحل مختلف از عالم آخرت، قبل از هر گونه محاسبه و پرسشی، از امر ولایت و اعتقاد به امامت ائمه هدی علیهما السلام می پرسند، و آن کس که پاسخگو نباشد نجات نخواهد یافت. ابن حجر عسقلانی - دانشمند بزرگ اهل سنت - از یونس بن خباب نقل می کند که پس از توضیح درباره چگونگی عذاب قبر، گفت: در اینجا مطلبی است که ناصبی ها (دشمنان اهل بیت) آن را پنهان داشته اند! گفتم: آن مطلب چیست؟ گفت: انه لیستل فی قبره من ولیک، فان قال علی نجی. [صفحه ۴۱] در عالم قبر درباره امامت می پرسند، اگر فرد بگوید: امام علی است نجات پیدا می کند. [۴] در قیامت نیز آن گاه که نامه اعمال را منتشر کنند، عنوان نامه عمل هر کس، موضع او در قبال امر ولایت است. [۵] و عبور از پل صراط نیز نیازمند اعتقاد به ولایت بوده، منکر ولایت در جهنم سقوط نموده، پیرو اهل بیت امکان عبور دارد [۶] که امام صادق به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در روایتی که سنی و شیعه نقل کرده اند فرمودند: اثبتکم قدما علی الصراط اشدکم حبالا اهل بیتی. کسی از شما بر پل صراط ثابت قدم تر است که محبت بیشتری به اهل بیت من دارد. [۷] در زیارت جامعه نیز می خوانیم: بکم یسلک الی الرضوان و علی من جحد ولایتکم غضب الرحمان با ولایت شما است که افراد به بهشت می روند و بر منکرین ولایت شما، خشم خدا خواهد بود. مفسر بزرگ اهل سنت، آلوسی در ذیل آیه: وقفوهم انهم مسئولون، [۸]. [صفحه ۴۲] ایشان را از حرکت بازدار، آنها باید مورد رسیدگی قرار گیرند، درباره موضوع پرسش،

اقوالی نقل کرده، آن گاه گوید: و اولی هذه الاقوال ان السؤال عن العقائد و الاعمال و راس ذلك لا اله الا الله و من اجله ولايه على كرم الله وجهه. بالاترين اقوال اينكه: سؤال از عقائد و اعمال است و در راس همه عقائد توحيد، و برترين اين اعتقادات ولايت على عليه السلام است. [۹] به امام باقر عليه السلام خبر رسيد كه عكرمه، غلام ابن عباس، كه مردی خبيث و دشمن اهل بيت بود، در حال مردن است. فرمودند: اگر قبل از مرگ به او برسم به او مطلبی می آموزم كه به آتش جهنم دچار نشود. اصحاب عرض كردند: (او كه مرد) پس آن مطلب را به ما بياموزيد! فرمودند: و الله ما هذا الا الامر الذي انتم عليه. به خدا قسم اين مطلب جز همين اعتقاد به ولايت كه شما بر آن هستيد نمی باشد. [۱۰] لذا است كه بزرگترين محدث اهل سنت - بخاری - از قول رسول اكرم صلی الله عليه و آله و سلم نقل کرده است كه درباره قيامت فرمودند: ليردن على حوضي اقوام فيختلجون فاقول: اصحابي، فيقال: انك لا تدري ما احدثوا بعدك، فيختلجون. [۱۱] گروههایی از امت اسلام در قيامت در کنار حوض كوثر بر من وارد شده، ملائكه مانع آمدن آنها می شوند، من می گويم: خدایا [صفحه ۴۳] اصحابم (از رسيدن به من مانع شده اند)، پاسخ گفته می شود: تو نمی دانی پس از مرگ تو آنها چه کرده اند، پس مانع آمدن آنها و نجات آنها می گردند. يعنی اگر فرد، از اصحاب پیامبر نیز باشد و به راه پیامبر جان فشانی کرده باشد، اگر پیرو ولايت نباشد نجات نخواهد يافت. پس رمز نجات اهل بهشت، ولايت اهل بيت و سر شقاوت اهل جهنم، انكار ولايت اهل بيت است، كه امام صادق عليه السلام در ذيل آيه شريفه: فيومئذ لا يسئل عن ذنبه انس و لا جان. [۱۲] در روز قيامت، از گناهان (برخی) انسانها و جن ها پرسش نخواهد شد (مورد شفاعت قرار می گیرند). فرمودند: و الله لا يري منكم في النار اثنان، لا و الله، و لا واحد. به خدا قسم از شما شيعيان [۱۳] در جهنم دو نفر حتی يك نفر هم ديده نمی شود. [۱۴] و نیز فرمودند: اما و الله ما هلك من كان قبلكم و ما هلك من هلك حتى يقوم قائمنا الا في ترك ولايتنا و جحود حقنا. [صفحه ۴۴] به خدا قسم علت هلاكت اقوام قبل از شما و اقوام بعد، تا زمان ظهور حضرت مهدي عليه السلام، چیزی جز ترك ولايت ما و انكار حق امامت و خلافت ما نیست. [۱۵] بنابر اين، راه نجات ما كه در عصر غيبت حضرت مهدي عليه السلام قرار گرفته ايم، نیز چیزی جز پناه بردن به ولايت و محبت و انتظار ظهور حضرت ولي عصر عجل الله تعالى فرجه الشريف نیست. از اين روست كه در زيارت آن حضرت، خطاب به آن بزرگوار عرض می كنيم: اشهد ان بولايته تقبل الاعمال و تركي الافعال و تضاعف الحسنات و تمحي السيئات، فمن جاء بولايته و اعترف بامامته، قبلت اعماله و صدقت اقواله و تضاعفت حسناته و محيت سيئاته، و من عدل عن ولايته و جهل معرفته و استبدل بك غيرك كبه الله على منخره في النار و لم يقبل له عملا و لم يقم له يوم القيامة وزنا گواهی می دهم كه به ولايت تو (ای امام زمان)، (خدا) اعمال را پذيرفته، افعال را پاكيزه کرده، حسنات را دو برابر نموده، گناهان را پاك می كند. پس کسی كه معتقد به ولايت تو باشد و به امامت تو اعتراف كند، اعمالش پذيرفته شده، گفتارهايش تصديق شده، حسناتش دو برابر و گناهانش محو خواهد شد و آن كس كه از ولايت تو سر باز زند و معرفت تو را جاهل باشد و به جای تو دیگری را به امامت پذيرد، خداوند او را به صورت در آتش پرتاب می كند و عمل او را نمی پذيرد، برای سنجش اعمال او ميزانی اقامه نمی كند. [صفحه ۴۵] پاورقی [۱] امالی شيخ طوسي ۱: ۲۸۸ - صحيح مسلم جلد ۱ باب من لقي الله تعالى بالايمان. [۲] روايات اين باب بسيار فراوان است، بعنوان نمونه مرحوم علامه مجلسی در كتاب ارجمند بحار الانوار جلد ۶۸ باب ۱۸ باب الصفح عن الشيعه، ۹۷ روايت در اين زمينه نقل نموده است. [۳] عيون اخبار الرضا عليه السلام ۲: ۱۳۶. [۴] تهذيب التهذيب - ابن حجر ۱۱: ۴۳۹. [۵] اين مطلب در روايات سنی و شيعه آمده است، بعنوان نمونه: رسول خدا صلی الله عليه و آله و سلم فرمودند: عنوان صحيفه المومن حب على بن ابي طالب. تاريخ بغداد - خطيب بغدادی جلد ۴: ۴۱۰. [۶] مضمون حديثی از رسول خدا صلی الله عليه و آله و سلم در كتب اهل سنت و شيعه بعنوان مثال: المناقب ابن مغزلی شافعی: ۲۴۲ ح ۲۸۹. [۷] فضائل الشيعه - شيخ صدوق: ۵. [۸] سوره صافات: ۲۴. [۹] تفسير روح البیان ۲۳: ۷۴. [۱۰] محاسن: ۱۴۹ و ۶۳۹ - بحار ۶۸: ۱۱۹ ح ۴۸. [۱۱] تيسير الوصول، ابن ربيع ۳: ۱۶۸. [۱۲] سوره الرحمن: ۳۹. [۱۳] ناگفته نماند نجات پيروان اهل بيت از عذاب الهی، به معنای انكار مواعيد الهی در عذاب گناهكاران

نیست، بلکه پس از اینکه گناه شیعه را به بلائی دنیا یا سختی مرگ و عذاب قبر و دیگر عرصات عالم آخرت پاک کردند، به شفاعت اهل بیت نجات می‌یابد رجوع کنید به فصل ۱۴ همین نوشتار. [۱۴] بحار ۶۸:۱۴۴ ح ۹۱. [۱۵] کافی ۱:۴۲۶ ح ۷۴.

شرط لازم برای مغفرت حق

شرط لازم برای مغفرت حق یکی از جلوه‌های رحمت بیکرانه خدای متعال، مغفرت او است. از اسما و غفور، غفار، تواب، غافر الذنب و خیر الغافین است که خداوند صد و ده بار در قرآن به این اوصاف، توصیف گردیده است. ولی برخورداری از مغفرت خداوند متعال، شرائطی دارد که مهمترین آنها شرط ایمان است. یقوما اجیبوا داعی الله و آمنوا به یغفر لکم من ذنوبکم و یجرکم من عذاب الیم. ای قوم ما، دعوت پیامبر را اجابت کرده، به او ایمان آورید تا خداوند، گناهان شما را ببخشد و شما را از عذاب دردناک پناه دهد. [۱] بدین جهت کسانی که از ایمان بهره ندارند، از این رحمت واسعه الهی بی بهره اند، حتی در صورت شفاعت اولیاء خدا، آنان، مورد فضل و مغفرت حق قرار نمی‌گیرند. استغفر لهم او لا تستغفر لهم ان تستغفر لهم سبعین مره فلن یغفر الله لهم ذلک بانهم کفروا بالله و رسوله. [صفحه ۴۶] ای پیامبر، اگر برای آنان طلب مغفرت نمایی یا اینکه این کار را نکنی، حتی اگر هفتاد بار هم برای آنها استغفار کنی، خدا هرگز آنان را نمی‌آمرزد، زیرا آنان به خدا و پیامبرش کافرند. [۲] در فصل دوم نیز بیان کردیم که از شرائط لازم ایمان، اعتقاد به ولایت دوازده امام و محبت آنان و بیزاری از دشمنان آنان است. لذا کسی که از نعمت ولایت اهل بیت و معرفت امام زمان علیه السلام برخوردار نیست، از رحمت حق در عالم آخرت و شفاعت اولیاء خدا بی بهره خواهد بود. امام صادق علیه السلام در ذیل آیه شریفه: وانی لغفار لمن تاب و آمن و عمل صالحا ثم اهتدی. بدرستی که من بسیار آمرزنده ام کسی را که توبه کند، ایمان داشته باشد و عمل نیکو انجام دهد آن گاه به هدایت رهنمود گردد. [۳] فرمودند: آیا ندیدی که خداوند چگونه (مغفرت خویش را به ولایت ما) مشروط کرده است؟ زیرا توبه و ایمان و عمل صالح سودی ندارند، مگر اینکه فرد هدایت شود. بخدا قسم اگر فرد، در راه بندگی تلاش فراوان نیز کند، اعمال او پذیرفته نمی‌شود مگر اینکه هدایت شده باشد. راوی گوید: عرض کردم: قربانت شوم، بسوی چه کسی هدایت شده باشد؟ فرمودند: بسوی ما. [۴]. [صفحه ۴۷] بدین روی برای رحمت حق و مغفرت او و شفاعت اولیائش در مواقع سهمگین عالم آخرت، راهی جز ولایت آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم و در زمان ما، محبت و معرفت امام زمان علیه السلام و انتظار ظهور آن حضرت وجود ندارد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: حبی و حب اهل بیتی نافع فی سبعة مواطن احوالهن عظیمه: عند الوفاه و فی القبر و عند النشور و عند الکتاب و عند الحساب و عند المیزان و عند الصراط. حب من و اهل بیت من در هفت جایگاه که بشدت هراسناک می‌باشند، سودمند است: در لحظه مرگ و در داخل قبر و در حشر و نشر و بهنگام (دادن) نامه اعمال و در زمان محاسبه اعمال و در موقف سنجش اعمال و در (گذر) از پل صراط. [۵] این مطلب، فقط در آثار ما شیعیان نیامده، کتب اهل سنت نیز بدان اقرار دارند. در روایتی که آنان از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده اند، آمده است: معرفه آل محمد برائه من النار و حب آل محمد جواز علی الصراط و الولایه لال محمد امان من العذاب. معرفت آل محمد شرط دوری از آتش جهنم است و دوستی آل محمد لازمه عبور از صراط است و ولایت آل محمد باعث محفوظ بودن از عذاب الهی است. [۶] محبت اهل بیت علیهم السلام آن چنان رحمت الهی را بر انسان سرازیر می‌کند که حتی اگر غیر مسلمانی یافت شود که محب اهل بیت باشد، گر چه به علت عدم ایمان به دیگر مبانی دین، راهی به بهشت برین الهی ندارد، ولی با [صفحه ۴۸] محبت اهل بیت، از عذاب الهی در جهنم مصون خواهد ماند. ابن عباس گوید: مردی یهودی بشدت به حضرت علی علیه السلام علاقه داشت، ولی قبل از اینکه مسلمان شود مرد. بعد از مرگ او، خدای بزرگ فرمود: اما او را از بهشت من بهره ای نیست، ولی ای آتش او را بی قرار مکن. [۷] ولی دنیا، دار حجاب است و بسیاری از این حقائق بر حواس ما پوشیده است. حقیقت اینست که ما در لحظه چشم بستن از دنیا و چشم گشودن به حقائق عالم آخرت است که بزرگی

نعمت ولایت و اهمیت آن را در می‌یابیم. امام صادق علیه السلام پس از آنکه لازمه ایمان را معرفت امام زمان علیه السلام معرفی کردند، به بیان آثار اخروی این معرفت پرداخته، فرمودند: و احوج ما یکون احدکم الی معرفته اذا بلغت نفسه هیئنا - و اهوی بیده الی صدره. در لحظه مرگ آن هنگام که جان شما به سینه برسد، بیش از هر زمان دیگر به معرفت امام نیازمندید. [۸] پس چه بهتر که تا نفس باقی است، در مسیر ولایت اهل بیت بکوشیم و با امام زمان علیه السلام آشنا شویم. و شیرینی محبت آن بزرگوار و پدران گرامیش را در قلب خویش احساس نمایم تا شاید مورد لطف و رحمت و مغفرت حق قرار گیریم. [صفحه ۴۹] پاورقی [۱] سوره احقاف: ۳۱. [۲] سوره توبه: ۸۰. [۳] سوره طه: ۸۲. [۴] تفسیر قمی: ۴۲۰ - وسائل الشیعه ۱: ۹۶ ح ۱۹. [۵] خصال ۲: ۱۲ - بحار ۲۷: ۱۵۸ ح ۳. [۶] الغدیر ۲: ۳۲۴ به نقل از الصواعق المحرقة - ابن حجر: ۱۳۹. [۷] بحار ۳۹: ۲۵۸. [۸] کافی ۲: ۲۱ ح ۹.

هدایت الهی

هدایت الهی در منطق قرآن، حیات و زندگی، در آثار ظاهری آن از قبیل تنفس و حرکت و... نیست، بلکه در نور ایمان و شناخت خدا و پیامبر و اعتقاد به معاد و دین می‌باشد. به همین دلیل قرآن کریم، منکرین حقائق دینی را مرده و ناشنوا و ساکنان ظلمت قلمداد می‌نماید و می‌فرماید: و ما یستوی الاعمی و البصیر و لا الظلمت و لا النور و لا الظل و لا الحرور و ما یستوی الاحیاء و لا الاموات ان الله یسمع من یشاء و ما انت بمسمع من فی القبور. نه کور و بینا مساوی اند و نه تاریکیها با نور، و نه سایه و گرما و نه زندگان با مردگان، بدرستی که خداوند هر که را بخواهد شنوا می‌کند ولی تو نمی‌توانی ساکنان قبرها را شنوا کنی. [۱] بدین جهت، فرزند مومنی که به تقدیر خدا از خانواده ای کافر متولد شده است، مصداق: یخرج الحی من المیت. [۲]. [صفحه ۵۰] است. یعنی او زنده ای است که از مرده یعنی از کافر و بی دین بیرون آمده است. [۳] لذا است که در روایات اهل بیت علیهم السلام، حیات حقیقی زمین، در ظهور امام زمان حضرت مهدی علیه السلام و گسترش حکومت آن حضرت بر سر تا سر زمین قلمداد شده است. قرآن کریم می‌فرماید: اعلموا ان الله یحی الارض بعد موتها. بدانید که خداوند زمین را بعد از مرگش زنده خواهد گردانید. [۴] امام باقر علیه السلام درباره آیه فوق فرموده اند: یحییها الله عز و جل بالقائم علیه السلام بعد موتها، بموتها: کفر اهلها و الکافر میت. خدای بزرگ، زمین را بعد از مرگش به حضرت مهدی علیه السلام زنده می‌دارد. مرگ زمین، کفر ساکنان آن بوده و کافر مرده است. [۵] با توجه به آنچه در فصول گذشته آمد، تنها کسانی که به هدایت الهی، خلفاء رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را شناخته، پیرو آن بزرگواران می‌باشند، از نظر قرآن حیات داشته، منحرفین از طریق ولایت به مردگان می‌مانند، زیرا قرآن کریم می‌فرماید: او من کان میتا فاحیینه و جعلنا له نورا یمشی به فی الناس کمن مثله فی الظلمات لیس بخارج منها. آیا کسی که مرده بود و ما او را زنده گردانیدیم و برای او نوری [صفحه ۵۱] قرار دادیم که با آن نور در میان مردم حرکت می‌کند، مانند کسی است که در تاریکی ها بوده از آن خارج نمی‌گردد؟ [۶] و حضرت باقر علیه السلام در تفسیر آیه فوق فرمودند: المیت الذی لا یعرف هذا الشان. مرده کسی است که به خلافت اهل بیت معتقد نیست. [۷] بنابر این، نوری که خداوند به وسیله آن، مردگان را زنده می‌گرداند، امامت امیرالمومنین علی بن ابی طالب علیه السلام و دیگر فرزندان مطهر آن حضرت می‌باشد. [۸] پس ولایت آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم زنده کننده انسان بوده، انسان را از مرگ حقیقی نجات می‌بخشد. امام صادق علیه السلام منظور از حیات در آیه شریفه زیر را ولایت معرفی نمودند: یا ایها الذین ءامنوا استجیبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم. [۹] بنابر این، معنای آیه بنابر تفسیر آن حضرت اینگونه خواهد بود: ای افراد مومن، سخن خدا و رسول را اجابت کنید آن زمان که پیامبر شما را به سوی ولایت علی بن ابی طالب که با آن زنده خواهید شد، می‌خواند. [۱۰]. [صفحه ۵۲] بدین جهت آن کسانی که از این دعوت پیامبر، یعنی امر او به تبعیت از ولایت و امامت حضرت امیرالمومنین علیه السلام اطاعت ننموده، به ولایت اهل بیت پشت کردند، از نور هدایتی که با قبول توحید و نبوت، تا قبل از این بر حیات آنان سیطره داشت بیرون رفته، در ظلمات گمراهی غرق

شده، همراه با رهبران طاغوتی خویش در عذاب الهی جایگیر خواهند شد. سند ما روایت ارجمندی است که در ذیل آیه زیر نقل گردیده است. خدای متعال می فرماید: الله ولی الذین ءامنوا یخرجهم من الظلمات الی النور و الذین کفروا اولیاهم الطاغوت یخرجونهم من النور الی الظلمات اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون. خدا سرپرست افراد با ایمان بوده آنان را از تاریکیها به سوی نور هدایت می کند. و کسانی که کافرند، تحت سرپرستی طغیانگرا هستند که این رهبران طاغوتی، آنان را از نور به سوی تاریکی بیرون می برند. اینان اصحاب آتشدند که در آن جاودانه خواهند بود. [۱۱] هنگامیکه عبدالله بن ابی یعفور در محضر امام صادق علیه السلام از حسن اخلاقی برخی مخالفین ولایت، و کج رفتاری پیروان اهل بیت ابراز شکفتی نمود، امام صادق علیه السلام غضبناک شده، با سخنان زیر، دید ظاهر بین او را اصلاح نموده، معیار درست ارزیابی را ابراز فرمودند: کسی که با پیروی از رهبری پیشوایی ظالم که خدا او را منصوب نموده، خدا را بندگی کند، دین ندارد، و بر آن کس که به ولایت امام عادل که از طرف خدا می باشد معتقد است، سرزنشی نخواهد بود. [صفحه ۵۳] یعنی قبل از اینکه به رفتار این دو گروه بنگری، باید عقیده آنها را بسنجی و ملاک و معیار اصلی، اعتقاد درست بوده، در مرحله بعد، عمل قرار دارد. آنگاه امام علیه السلام، در توضیح مطلب فوق، به آیه شریفه استناد نموده، فرمودند: خدا سرپرست افراد با ایمان بوده، آنها را از تاریکیها به سوی نور هدایت می کند. یعنی آنان را از تاریکی گناهان به سوی نور توبه و مغفرت رهنمایی می کند زیرا آنان پیرو ولایت پیشوایان عادل هستند که خدا آنان را منصوب فرموده است. سپس سخن را به قسمت دیگر آیه معطوف داشته، اینگونه دنبال کردند: و کسانی که کافرند تحت سرپرستی طغیانگر هستند که این رهبران طاغوتی آنان را از نور به سوی تاریکی ها بیرون می برند. زیرا آنان، بر نور اسلام بودند، ولی هنگامی که از ولایت پیشوایان ظالمی که از جانب خدای بزرگ نبودند پیروی نمودند، با این اعتقاد، از نور اسلام به سوی تاریکی کفر بیرون رفتند، پس خداوند، آتش جهنم را همراه با کفار بر آنان واجب ساخت، پس آنان اصحاب آتشدند که در آن جاودانه خواهند بود. [۱۲] پس اگر ما طالب حیات واقعی و هدایت الهی هستیم، در زمان حاضر، راهی جز توسل به ذیل ولایت امام زمان علیه السلام و معرفت آن حضرت و پیوند قلبی با آن حضرت ندارد. زیرا قرآن دستور می دهد: فامنوا بالله و رسوله و النور الذی انزلنا و الله بما تعملون خبیر. [صفحه ۵۴] پس بخدا و پیامبرش و به نوری که نازل کردیم ایمان آورید که خدا به آنچه شما انجام می دهید، آگاه است. [۱۳] امام باقر علیه السلام در ذیل آیه فوق، منظور از عبارت نوری که نازل کردیم، را نور ائمه علیهم السلام در همه اعصار دانسته اند. [۱۴] پس آن نور الهی که مردم این زمان مأمور به ایمان به او هستند و در پی اعتقاد به او، هدایت یافته و زنده خواهند شد، امام زمان حضرت مهدی علیه السلام می باشد. [صفحه ۵۵] پاورقی [۱] سوره فاطر: ۲۲ - ۱۹. [۲] سوره روم: ۱۹. [۳] تفسیر المیزان ۱۶: ۱۶۲ طبع بیروت. [۴] سوره حدید: ۱۷. [۵] کمال الدین: ۶۶۸ ح ۱۳. [۶] سوره انعام: ۱۲۲. [۷] تفسیر عیاشی ۱: ۳۷۶ و ۳۷۵ ح ۸۹ و ۹۰. [۸] همان مدرک. [۹] سوره انفال: ۲۵. [۱۰] تفسیر صافی ۱: ۶۵۵. [۱۱] سوره بقره: ۲۵۷. [۱۲] کافی ۱: ۳۷۶ و ۳۷۵ ح ۳ - الغیبه نعمانی: ۱۳۳ و ۱۳۲ ح ۱۴. [۱۳] سوره تغابن: ۸. [۱۴] کافی ۱: ۱۹۴ ح ۱.

برترین نعمت خداوند

برترین نعمت خداوند خداوند متعال نعمتهای فراوانی به بشر ارزانی داشته است که قابل شمارش نیست. و ان تعدوا نعمه الله لا تحصوها. [۱] اگر نعمتهای خدا را بشمارید، به عدد در نمی آید. از میان این نعمتهای بی شمار، برخی نعم مادی و دنیوی است که خداوند به اقتضای رحمانیت خویش به مومن و کافر عطا فرموده، و برخی دیگر نعمتهای معنوی و اخروی هستند که راهنمای انسان بسوی سعادت ابدی می باشند. خداوند این نعمتها را به اقتضای رحیمیت خویش، صرف به مومنان عطا فرموده است. از برترین این نعمتهای معنوی، نعمت ولایت و اطاعت و محبت اهل بیت علیهم السلام است. امام صادق علیه السلام فرمودند: ان الله یعطی الدنیا لمن یحبه و ینقض و لا یعطی هذا الامر الا اهل صفوته. [۲] خداوند نعمتهای دنیا را به مومن و کافر می دهد، ولی نعمت ولایت

[صفحه ۵۶] را جز به برگزیدگان از مخلوقاتش عطا نمی کند. این نعمت، خیر دنیا و آخرت است زیرا که راه صحیح زیستن در دنیا را به انسان آموخته، دستگیر انسان در عرصات سهمگین عالم آخرت خواهد بود. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: من رزقه الله حب الائمة من اهل بیتی فقد اصاب خیر الدنیا و الاخره. کسی که خداوند حب اهل بیت را به او اعطا کرد باشد، خیر دنیا و آخرت به او رسیده است. [۳] این محبت، از جواهرات دنیوی بسیار گرامی تر و ارزشمند تر است، [۴] زیرا که تنها وسیله رسیدن به قرب حق متعال بوده، خیر کثیر، می باشد. امام صادق علیه السلام لفظ حکمت در آیه شریفه و من یوت الحکمه فقد اوتی خیرا کثیرا [۵] را به اطاعت از دستورات الهی و معرفت امام معنا فرموده اند [۶] که بر این اساس، مفهوم آیه چنین خواهد بود: کسی را که طاعت خدا و معرفت امام زمان عطا کرده باشند، به او خیر زیادی رسیده است. معرفت امام زمان و ولایت اهل بیت علیهم السلام برترین نعمتهای الهی است و در میان نعمتهای الهی نعمتی برتر از آن یافت نمی شود. امام صادق علیه السلام در ذیل آیه شریفه: [صفحه ۵۷] فاذکروا الاء الله لعلکم تفلحون. نعمتهای خدا را یاد کنید شاید که رستگار گردید. [۷] فرمودند: هی اعظم نعم الله علی خلقه و هو ولایتنا. منظور از آلاء خدا برترین نعمتهای خداوند بر آفریدگان می باشند که همان ولایت ما است. [۸] نعمت ولایت همان نعمتی است که خداوند آن را در روز غدیر بر همه مسلمانان به حد اتمام رسانید و فرمود: الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا. [۹] امروز دین شما را (به ولایت علی بن ابی طالب) کامل کرده، نعمت را (به معرفی ولایت او) بر شما به اتمام رسانیدم و به این اسلام به عنوان دین برای شما خشنود گشتم. این همان نعمتی است که روز قیامت مورد پرسش قرار خواهد گرفت. خداوند متعال می فرماید: ثم لتسئلن یومئذ عن النعمیم. [۱۰] آنگاه در آن روز از آن نعمت حتما پرسش خواهند شد. امام صادق علیه السلام درباره آیه فوق فرمودند: و الله ما هو الطعام و الشراب و لک و ولایتنا اهل البیت. [صفحه ۵۸] به خدا قسم نعمت مورد پرسش، غذا و نوشیدنیها نیستند. بلکه ولایت ما اهل بیت است که مورد پرسش قرار می گیرد. [۱۱] این مطلب در روایات اهل سنت نیز نقل شده است، محدث بزرگ اهل سنت - جلال الدین سیوطی - در این زمینه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل نموده است که فرمودند: لا یزول قدما عبد یوم القیامه حتی یسئل عن اربع عن عمره فیما افناه و عن جسده فیما ابلاه و عن ماله فیما انفقه و من این اکتسبه و عن حبا اهل البیت. گامهای فرد در روز قیامت حرکت نمی کند تا اینکه از چهار چیز از او پرسش شود: از عمرش که آن را در هیچ راهی مصرف کرده، از بدنش که آن را در چه راهی به زحمت انداخته و از مالش که آن را چگونه خرج و از کجا کسب کرده و از محبت ما اهل بیت. [۱۲] حال که ولایت و اعتقاد به اهل بیت و محبت آنها و پیوند با آنان، برترین نعمتی است که خدا به ما عطا کرده است، در مواقع دعا و در مظان استجابات، این نعمت عظیم را باید از خدا تقاضا کرد، چرا که این گوهر الهی را به هر کسی عطا نکرده و در هر مکانی قرار نداده اند، پس باید دست استغاثه به درگاه حق بلند کرد و از او تقاضا نمود که: اللهم و لا تسلبنا الیقین لطول الامد فی غیبتہ و انقطاع خبره عنا و لا تنسنا ذکره و انتظاره و الایمان به و قوه الیقین فی ظهوره و الدعاء له و الصلوه علیه... خدایا در طول زمان غیبت و بی خبری ما از امامان، یقین را از ما [صفحه ۵۹] سلب مکن، و یاد و انتظار او و ایمان به او و اعتقاد راسخ به ظهور او و توفیق دعا و صلوات برای او را از ما مگیر. [۱۳].

[صفحه ۶۰] پاورقی [۱] سوره ابراهیم: ۳۴ - سوره نحل: ۱۸. [۲] بحار ۱۲۲: ۲۷ ح ۱۰۷. [۳] خصال ۹۹: ۲، در زیارت عاشورا نیز، از تولی و تبری تعبیر به رزق شده است: فاسئل الله الذی الکرمنی بمعرفتکم و معرفه اولیائکم و رزقنی البرائه من اعدائکم... [۴] بحار ۱۳۶: ۳۶ ح ۹۳. [۵] سوره بقره: ۲۷۳. [۶] کافی ۱: ۱۸۵ ح ۱۱ - محاسن ۱۴۸ ح ۶۰. [۷] سوره اعراف: ۶۹. [۸] بصائر الدرجات: ۸۱. [۹] سوره مائده: ۳. [۱۰] سوره تکاثر: ۸. [۱۱] تفسیر برهان ۴: ۵۰۲ ح ۶. [۱۲] احیاء المیت - سیوطی: ۱۱۵. [۱۳] مفاتیح، دعاء ایام غیبت، منقول از جناب عثمان بن سعید عمروی - نائب اول امام زمان علیه السلام.

در معرفت امام زمان همانطور که اعتقاد به توحید و نبوت و معاد، بدون ایمان به ولایت امیرالمومنین علیه السلام و برائت از غاصبین حق خلافت ارزشی ندارد، و به همانگونه که نماز و حج و دیگر عبادات، بدون ولایت اهل بیت علیهم السلام پیشیزی نمی‌ارزد، همه این اعتقادات و عبادات اگر انجام شود و انسان به ولایت اهل بیت نیز ایمان داشته باشد ولی امام زمان خویش را نشناسد، از هیچ یک از معتقدات خود، حتی از ولایت ائمه قبل نیز بهره مند نخواهد گردید. بهترین سند بر ادعای فوق، روایت مشهوری است که اهل سنت و شیعه آن را نقل نموده و بر آن اعتماد کرده اند و اینک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیه. [۱]. [صفحه ۶۱] کسی که بمیرد و امام زمان خویش را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است. منظور از جاهلیت در این روایت، ایام کفر و ضلالت قبل از اسلام است. بنابر این معنای حدیث چنین خواهد شد: اگر مسلمانی - یعنی کسی که توحید و نبوت و قرآن و قیامت و دیگر مبانی دین را پذیرفته و به واجبات دین اهتمام نموده است - بمیرد و امام معصوم زمان خویش را نشناخته باشد، او نامسلمان مرده، دین او همان کفر و ضلالت کفار و مشرکین قبل از اسلام تلقی خواهد شد و از اسلام، توحید، نبوت، تقوی و عبادت خود نفعی نخواهد برد. لفظ جاهلیت، در این نقل از حدیث، توصیف روشن تری یافته است. راوی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده اند: من مات و لا يعرف امامه مات میتة جاهلیه؟ کسی که بمیرد و امامش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است؟ فرمودند: آری، عرض کردم: این جاهلیت به معنی جاهلیت ایام نادانی قبل از اسلام است، یا منظور جاهلیت عدم آشنایی با امام می باشد؟ یعنی آیا جاهلیت چنین کسی در همه زمینه ها و مطلق بوده و یا در محدوده خاص امامت بوده، به دیگر محدوده های دین لطمه نمی زند؟ امام فرمودند: جاهلیت کفر و نفاق و ضلال [۲] جاهلیت او از سنخ جاهلیت کفار، منافقین و گمراهان است. یعنی جاهلیت مطلق بوده، گمراهی از امامت مساوی با گمراهی در [صفحه ۶۲] تمامی مبانی دین خواهد بود. [۳] پس علاوه بر معرفت اصل ولایت و شناخت حق اهل بیت علیهم السلام، ما موظف به معرفت و اطاعت و تسلیم در برابر امام زمانمان علیه السلام نیز هستیم و معرفت ولایت، ما را بی نیاز از معرفت آن حضرت نخواهد کرد. محمد بن تمام گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فلان کس از دوستان شما اهل بیت است... ولی او به ولایت امیرالمومنین علیه السلام ایمان داشته، اوصیاء آن حضرت را نمی شناسد. امام فرمودند: او گمراه است، او مانند کسی است که به نبوت عیسی اقرار کرده نبوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را انکار کند یا نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را پذیرفته و نبوت عیسی را انکار نماید. ما بخدا پناه می بریم از کسی که حجتی از حجج الهی را انکار نماید. [۴] [صفحه ۶۳] فرد دیگری نیز از امام صادق علیه السلام می پرسد: کسی که به ائمه قبل معرفت داشته، فقط امام زمان خویش را نمی شناسد، آیا چنین کسی مومن است؟ فرمودند: خیر. [۵] راوی از امام صادق علیه السلام پرسید: فردی است که به ولایت شما قائل بوده از دشمن شما بیزار است، حلال و حرام شما را مراعات می کند و معتقد است که امامت با شما خاندان است و به خاندان دیگری تعلق ندارد، ولی می گوید: در اینکه کدامیک از افراد این خاندان امام هستند، امری اختلافی است و اگر آنها بزودی اجتماع کرده او را امام بنامند، من نیز به امامت او معتقد خواهم بود! وضعیت او چگونه است؟ امام صادق علیه السلام فرمودند: اگر بمیرد به مرگ جاهلیت مرده است. [۶] نکته این بحث در این است که بنابر روایات، انکار یکی از ائمه در حکم انکار جمیع آنها و در حکم انکار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بوده. چنین کسی قطعاً گمراه و منحرف خواهد بود. [۷] شاعر بزرگ اهل بیت سید حمیری (م ۱۷۳) (که شیعه بوده ولی از پیروان کیسانیه بود، یعنی بعد از حضرت امام حسین علیه السلام به امامت برادر آن حضرت محمد حنفیه معتقد بود، با وجود همه اشعاری که در حق اهل بیت داشت و مبارزه ادبی که با دشمنان آنان می نمود خبر دار شد که امام صادق علیه السلام او را کافر نامیده اند. نزد آن حضرت آمده عرض کرد: آیا من، با همه محبتی که با شما داشته، [صفحه ۶۴] با دشمنان شما مخالفت می نمایم. آیا منهم کافریم؟ امام فرمودند: و ما ینفعک ذاک و انت کافر بحجه الدهر و الزمان. در حالی که توبه امام زمانت ایمان نداری، اعتقادات به ولایت ائمه قبل و محبت تو به ما و دشمنی با دشمنان، برای تو سودی نخواهد داشت.

آنگاه حضرت او را به سر قبر ابن حنفیه بردند، ابن حنفیه زنده شد به امامت امام صادق علیه السلام اعتراف کرد و سید حمیری از اعتقاد سابق خود دست برداشته اثنا عشری گردید. و قصیده رائیه خود را سرود. [۸] امام صادق علیه السلام فرمودند: من اقر بالائمه من آبائی و ولدی و جحد المهدی من ولدی کان کمن اقر بجمیع الانبیاء و جحد محمدا صلی الله علیه و آله و سلم. [۹] کسی که به امامت پدران من اقرار نموده، امامت فرزندان (معصوم) مرا نیز بپذیرد، ولی مهدی را که از فرزندان من خواهد بود انکار کند، مانند کسی است که نبوت جمیع انبیاء را پذیرفته، نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را انکار نماید. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز فرمودند: من انکر القائم من ولدی فی زمان غیبت، فمات. فقد مات میتة جاهلیه. کسی که در ایام غیبت مهدی از فرزندان من، او را انکار نماید و بمیرد، به مرگ جاهلیت (یعنی غیر مسلمان و کافر و گمراه) از دنیا [صفحه ۶۵] رفته است. [۱۰]

پس در عصر ما شناخت امام زمان حضرت مهدی علیه السلام از لوازم ایمان و سعادت اخروی انسان و قبول اعمال او است. این اعتقاد است که او را از معرف دیگر ائمه و دیگر مبانی دینی، بهره مند می سازد. [صفحه ۶۶] پاورقی [۱] این روایت را احمد حنبل در ۳ موضع از کتاب مسند جلد ۹۶: ۴، ۴۴۶: ۳، ۸۳: ۲، بخاری در صحیح ۱۳: ۵، مسلم در صحیح رقم ۱۸۴۹، ابوداود در مسند: ۲۵۹ نقل نموده، بیش از بیست کتاب دیگر از کتب اهل سنت آن را نقل کرده اند. در کتب شیعه مرحوم علامه مجلسی این روایات را در بحار الانوار، جلد ۲۳ باب ۴ طی چهل حدیث گوناگون جمع کرده است. [۲] کافی ۱: ۳۷۷ ح ۳. [۳] علامه امینی رضوان الله علیه صاحب کتاب گرانسنگ الغدیر می فرمودند: در سفری به سوریه، دانشمندان آن دیار، به دیدار من آمدند، در مجلسی از بزرگان اهل سنت آن منطقه، یکی از آنان به من رو کرده گفت: آیا در اسلام جز ولایت و امامت، اصلی دیگر وجود ندارد که تو فقط درباره ولایت و غدیر و مفاهیم مربوطه می نویسی؟! آیا اسلام، توحید ندارد، نبوت و قرآن و اخلاق و احکام ندارد؟ من هر چه فکر کردم که به این فرد سنی در مجمعی از اهل سنت چه جوابی بدهم که دندان شکن باشد، چیزی به ذهنم نیامد. قلبا به حضرت امیرالمومنین علیه السلام متوسل شدم که: من در این جمع زبان شما اهل بیت هستم. مرا یاری دهید تا بتوانم از منطق شما دفاع کنم. به عنایت مولا به ذهنم رسید که به این حدیث شریف استناد کنم، لذا روایت: من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیه را خوانده، مدارک آن را بیان کرده معنای آن را توضیح دادم و گفتم: این کار را فقط از ولایت می گویم و می نویسم، سلیقه من نیست، بلکه فرمایش رسول خدا در این حدیث است که کسی که ولایت ندارد، از توحید و نبوت و معاد و قرآن و احکام بهره ای نمی برد. - و آنها هم ساکت شدند. [۴] بحار ۲۳: ۹۷ و ۹۸ ح ۵. [۵] کمال الدین باب ۳۹: ۴۱۰ ح ۳. [۶] الغیبه نعمانی: ۱۳۳ تا ۱۳۵ ح ۱۶ و ۱۷ و ۱۹. [۷] بحار ۲۳ باب ۵ (من انکر واحدا، منهم قد انکر الجمیع) کسی که یکی از ائمه را انکار کند همه آنها را انکار کرده است: ۹۵ تا ۹۸. [۸] بحار ۳۲۰: ۴۷ ح ۱۱. [۹] کمال الدین: ۴۱۱ ح ۵ و ۶. [۱۰] کمال الدین: ۴۱۳ ح ۱۲.

سبب علو مقام پیروان

سبب علو مقام پیروان پیروان ولایت اهل بیت علیهم السلام و منتظران ظهور امام زمان علیه السلام از مقامی بلند در نزد خداوند متعال برخوردارند. کر چه لازمه تشیع و محبت، پیروی از دستورات پیشوایان است، ولی بلندی مرتبه پیروان اهل بیت علیهم السلام از جهت اعمال نیک و رفتار پسندیده آنان نیست، تقرب آنها در نزد خداوند متعال، ابتداء به جهت پیروی آنان از امامی است که خدای سبحان برگزیده و به اطاعت او امر کرده است. حق تعالی از زبان حضرت ابراهیم علیه السلام می فرماید: فمن تبعنی فانه منی. پس هر کس پیرو من باشد، او از من است. [۱] حضرت باقر علیه السلام در ذیل آیه فوق فرمودند: من احبنا فهو منا اهل البیت. هر کس که ما را دوست بدارد، از ما اهل بیت می باشد. راوی از این مقام بلند (از اهل بیت بودن) برای دوست دارن اهل بیت شگفت زده شد، امام برای روشن ساختن او به آیه فوق استناد نموده، [صفحه ۶۷] فرمودند: پس هر کس پیرو من باشد، او از من است. [۲] پس حشر معنوی، ملکوتی و اخروی هر کس با امامی است که از او در دنیا پیروی نموده است. لذا است که پیرو اهل بیت در نزد

خدا و در عالم آخرت و در بهشت برین الهی در جایگاه رفیع اهل بیت علیهم السلام جای داشته، علت این مقام بلند، حشر دنیوی او با آن ذوات مقدسه است. خدای متعال می فرماید: و من یطع الله و الرسول فاولئک مع الذین انعم الله علیهم من النبیین و الصدیقین و الشهداء و الصالحین و حسن اولئک رفیقا. آن کس که از خدا و رسول پیروی کند، پس آنان همراه کسانی که خدا به آنان نعمت عطا کرده است، یعنی با انبیاء و صدیقین و شهداء و صالحین خواهند بود و چه نیکو همراهانی هستند! [۳] به فرموده حضرت رضا علیه السلام، شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام مصداق آیه فوق بوده، همنشین انبیاء و صدیقین و شهداء و صالحین خواهند بود. [۴] دوستان اهل بیت علیهم السلام با پیروی از پیشوایان الهی در حزب خدا وارد گشته، مصداقی از این آیه شریفه هستند: و من یتول الله و رسوله و الذین امنوا فان حزب الله هم الغالبون. و آن کس که ولایت خدا و رسول، و ولایت مومنین (ائمه علیهم السلام) را [صفحه ۶۸] بپذیرد، پس بدرستی که حزب الهی پیروزند. [۵] آنان با پیروی از ائمه معصومین علیهم السلام، در زمره بهترین خلق خدا قرار می گیرند، زیرا خدای متعال می فرماید: و الذین آمنوا و عملوا الصالحات اولئک هم خیر البریه. کسانی که ایمان آورده اعمال نیکو انجام دهند، بهترین مخلوقات خدایند. [۶] دانشمند بزرگ اهل سنت، سیوطی، با نقل روایات متعدد، مصداق این آیه را امیرالمومنین علیه السلام و پیروان آن حضرت قلمداد نموده است. [۷] دوستان اهل بیت را خدا دوست داشته، آنان آن چنان مقامی در نزد حق متعال دارا هستند که علی بن ابی طالب در نزد رسول خدا دارا است، خدای عز و جل خطاب به رسول خدا فرمود: محبو علی منی حیث علی منک. دوستان اهل بیت در نزد من همانگونه اند که علی در نزد تو است. [۸] در روایات بسیاری، مقام دوستان اهل بیت علیهم السلام در قیامت و رتبه آنان در نزد خداوند، مقام شهیدان راه حق قرار داده شده است. امیرالمومنین علیه السلام فرمودند: من مات منکم علی فراشه و هو علی معرفه حق ربه و حق رسوله و اهل بینه مات شهیدا. کسی که بر بستر خویش بمیرد و حق پروردگار و پیامبرش آشنا [صفحه ۶۹] باشد و حق اهل بیت را بشناسد، شهید از دنیا رفته است. [۹] مقام آنان آن چنان در نزد خداوند متعال بلند است که: ملائکه آسمان، همانگونه به پیروان اهل بیت علیهم السلام در زمین می نگرند که اهل زمین به ستارگان نظر می کنند. [۱۰] لذا است که هر گاه کسی از شیعیان از دنیا رود، فرشتگان به تشییع جنازه او می پردازند، چنانکه در تشییع جنازه رباح - غلام سیاه آل نجار - هفتاد هزار گروه از ملائکه شرکت نمودند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در توضیح این مرتبه رفیع، فرمودند: و الله ما نال ذلک الا بحبک یا علی. بخدا قسم رباح به این مقام نرسید مگر بخاطر دوستی تو ای علی. [۱۱] ولی بلندی مقام پیروان اهل بیت علیهم السلام در قیامت آشکار تر می گردد، زیرا که حقائق در آنجا آشکار می شود. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: خدای بزرگ، گروهی را (در قیامت) بر می انگیزد که صورتهای آنان نورانی است و بر جایگاهی از نور قرار گرفته اند و لباسی نوری به تن کرده، در سایه عرش خدا جای گرفته اند. آنان پیامبر نیستند. ولی منزلتی چون انبیاء دارند. آنان شهید نیستند ولی از مقام شهدا برخوردارند. ابوبکر پرسید: آیا من از آنان هستم! [صفحه ۷۰] فرمودند: خیر. عمر پرسید: آیا من از آنان هستم! فرمودند: خیر. آنگاه عبدالله بن مسعود پرسید: آنان چه کسانی هستند؟ رسول خدا، دست مبارک را بر سر حضرت علی علیه السلام قرار داده فرمودند: این مرد و شیعیان او هستند. [۱۲] کوتاه سخن آنکه هر آیه ای از قرآن که در تمجید اقوامی وارد شده، سخن از ورود آنان به بهشت می گوید، در شان اهل بیت و پیروان آنان نازل گردیده است. [۱۳] از این روی انسان عاقل، با توجه به مطالب فوق ولایت اهل بیت و محبت آنان را خفیف نشمرده، به اهمیت آن قائل است و جز در خانه اهل بیت را نمی کوبد و جز به امام زمان علیه السلام مراجعه نمی کند. زیرا که از هیچ طریق دیگری نمی توان به این مقام نائل آمد. ولی آیا مگر طریق دیگری وجود دارد؟! [۱۴]. [صفحه ۷۱] پاورقی [۱] سوره ابراهیم: ۳۶. [۲] تفسیر عیاشی ۲: ۲۳۱ ح ۳۲. [۳] سوره نساء: ۶۹. [۴] تفسیر عیاشی ۱: ۲۵۶ ح ۱۸۹. [۵] سوره مائده: ۵۶. [۶] سوره بینه: ۸. [۷] تفسیر در المنثور - سیوطی ۶: ۳۷۹. [۸] مئه منقبه، منقبه ۲۰ - غایه المرام: ۵۸۵ ح ۷۶. [۹] نهج البلاغه خطبه ۲۳۲. [۱۰] عیون اخبار الرضا ۲: ۲ ح ۲ به نقل حضرت رضا علیه السلام از امام صادق علیه السلام. [۱۱] بحار ۳۹: ۲۸۹ ح ۸۴ به نقل از امام صادق علیه السلام. [۱۲] امالی شیخ

صدوق: ۱۴۷ مجلس ۴۲ - بحار ۹:۶۸ و ۸ ح ۳ - فضائل الشیعه: ۱۲ و ۱۱ ح ۱۱. [۱۳] کافی ۸:۳۶ ح ۶ از امام صادق علیه السلام. [۱۴] مضمون روایتی از امام صادق علیه السلام در بحار ۲۷:۷۵ ح ۳: محبت ما را کوچک نشمارید...

تذکرات

تذکرات در تکمیل مطالب فشرده قبل، تذکر هشت نکته زیر، لازم بنظر می رسد:

عمل، لازمه ولایت و دوستی اهل بیت

عمل، لازمه ولایت و دوستی اهل بیت همان طور که در فصل دوم گفتیم، مومن کسی است که قلبا به خدا و رسول و اهل بیت علیهم السلام اعتقاد داشته، به فرامین آنها عمل می کند. ترویج اعتقاد بدون عمل از باورهای نادرست گروه مرجئه بوده، که روایات بسیاری در رد و لعن آنها وارد شده است. زیرا علاوه بر آن که لازمه ایمان، عمل به ارکان است، نشانه محبت راستین و معرف محب صادق، پیروی محب از محبوب خویشتن است. حضرت باقر علیه السلام فرمودند: (تعصی الاله و انت تظهر حبه - هذا لعمرک فی الفعال بدیع) (لو کان حبک صادقا لاطعته - ان المحب لمن احب مطیع) [۱] خدا را عصیان می نمایی و محبت او را اظهار می کنی؟ به دینم قسم که این کار از اعمال شگفت می باشد! اگر محبت تو راستین می بود، از خدا اطاعت می نمودی زیرا محب مطیع محبوبش می باشد. [صفحه ۷۲] پاورقی [۱] تحف العقول: ۳۰۳.

وعده و وعید خداوند به محبین

وعده و وعید خداوند به محبین وعده معمولا در معنای مژده به رحمت خدا و وعید عموما در مفهوم ترسانیدن از عذاب و غضب خدا بکار می رود. آنچه در فصول گذشته از وعده های الهی گفته شد، اگر چه مشتت از خروار و اندکی از بیشمار بیش نبود، ولی هرگز به معنای انکار وعید خداوند متعال در قران نیست. خدای متعال، صادق فی وعده و وعیده [۱] بوده، فرموده های او درباره بهشت و جهنم، رحمت و عذاب، هر دو صحیح و مطابق واقع است. ولی به علت لطفی که خداوند در حق مومنین یعنی پیروان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام دارد مجازات گناهان آنان را موقوف به عذاب ابد در جهنم ننموده، وعید خویش درباره گناهان آنان را - اگر آنها را به رحمت خویش نبخشوده باشد - با بلاها و سختی های دنیا، با مرگ سخت و سهمگین، با فشار و عذاب قبر و چه بسا با عذاب موقت او در جهنم اجرا نموده، بدین گونه او را آماده ورود در رحمت جاودان خویش می سازد. حضرت عسکری علیه السلام فرمودند: مردی همسر خویش را به نزد حضرت فاطمه علیها السلام فرستاد تا از آن حضرت پرسد: آیا من از شیعیان شما هستم یا خیر؟ حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند به او بگو: اگر به آنچه، امر کرده و از آنچه نهی نموده ایم عمل می نمایی شیعه ما هستی و الا- خیر. زن، پیغام را رسانید و شوهرش ناله سر داد: ای وای بر من، چه کسی است که گناه و اشتباهی نداشته باشد؟ پس من همواره در جهنم خواهم بود، [صفحه ۷۳] زیرا هر کس که شیعه آنان نباشد، جاودانه در جهنم بسر خواهد برد. همسر او به نزد حضرت فاطمه علیه السلام آمد و سخنان شوهرش را عرضه داشت. آن حضرت فرمودند: این گونه نیست (که او فهمیده است). شیعیان ما از بهترین افراد بهشت هستند و تمام دوستان ما که دوست دوستان ما بوده با دشمنان ما دشمن باشند و با قلب و زبان تسلیم امر ما گردند، اگر با اوامر و نواهی ما مخالفت کرده، اعمال زشت دیگری نیز مرتکب شوند به بهشت می روند، ولی پس از اینکه با بلاها و مصائب (دنیا) یا شدائد موجود در مراحل قیامت پاک شدند و یا در طبقه بالای جهنم عذاب گردیدند. ما آنان را بعلت محبتی که به ما دارند، از جهنم نجات داده به جوار خود در بهشت انتقال می دهیم. [۲] امیرالمومنین علیه السلام فرمودند: فاعلموا و اطیعوا لا تلتکوا و لا تستصغروا عقوبه الله عز و جل فان من المسرفین من لا تلحقه شفاعتنا

الا بعد عذاب ثلاثمائة الف سنه به دستورات خدا عمل کرده و اطاعت کنید و به پشتوانه شفاعت ما گناه نکنید و کیفر خدای بزرگ را کوچک شمارید، زیرا به برخی از گناهکاران (از شیعه) شفاعت ما نمی رسد مگر بعد از اینکه سیصد هزار سال عذاب شوند. [۳] لذا ائمه علیهم السلام در روایات متعدد به ما فرموده اند: [صفحه ۷۴] با تقوی و عبادت و اطاعت ما را (به شفاعت خود) کمک کنید. [۴]. پاورقی [۱] التوحید شیخ صدوق: ۲۳۵ ح ۲ از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم. [۲] بحار ۶۸: ۱۵۵ ح ۱۱. [۳] معانی الاخبار: ۲۸۸ ح ۲ - بحار ۶: ۱۵۴ ح ۹. [۴] تفسیر فرات: ۵۵۱ ح ۷۰۵ از امام صادق علیه السلام.

نهی از غلو در شأن اهل بیت

نهی از غلو در شأن اهل بیت با آن که ما هر چه در وصف اهل بیت علیهم السلام بگوییم، که گفته ایم و اوج مقامات و مدارج آنان برای ما قابل درک و بیان نیست، [۱] ولی در بیان مرتبه آنان، نباید آنان را از حد مخلوق بالاتر برده، به اندیشه هایی همچون: اتحاد آنان با خدا و یا حلول خدا در آنان و یا ازلیت وجود آنان و یا استقلال کمالات آنان از خدا گرایید که این گونه اندیشه ها، ولایت نبوده، غلو و چه بسا شرک و باعث خروج از اسلام باشد. [۲] امیرالمومنین علیه السلام فرمودند: ایاکم و الغلو فینا، قولوا انا عبید مربوبون و قولوا فی فضلنا ما شئتم. از گزافه گویی درباره ما پرهیز کنید. ما را بنده خدا و تحت سرپرستی او بدانید و (با قید این خصوصیت) در فضائل ما هر چه خواستید بگویید. [۳] در جای دیگری فرمودند: هلک فی رجلان: و محب غال و مبغض قال در (اعتقاد به) من دو نفر هلاک و گمراه شدند: کسی که مرا دوست دارد ولی در (مقام) من غلو می کند، و کسی که با من دشمن بوده در [صفحه ۷۵] دشمنی افراط کند. [۴]. پاورقی [۱] تعبیر زیارت جامعه از امام هادی علیه السلام: موالی لا احصی ثنائکم و لا ابغ من المدح کنهکم و من الوصف قدرکم. [۲] عروه الوثقی، مرحوم آیه الله سید کاظم یزدی ۱: ۶۸: ۲ مساله ۲. [۳] خصال ۲: ۶۱۴ - بحار ۲۵: ۲۷۰ ح ۱۵. [۴] نهج البلاغه، حکمت ۱۱۳ و ۴۶۱.

شرط ولایت اهل بیت برائت از دشمنان

شرط ولایت اهل بیت برائت از دشمنان بدیهی است، انسان، دوستدار هر کسی که باشد، از دشمنان او فاصله می گیرد والا در محبت او باید تردید کرد. قرآن نیز در آیات متعددی به این اصل، تصریح نموده می فرماید: لا تجد قوما یؤمنون بالله و الیوم الآخر یوادون من حاد الله و رسوله. کسی را که به خدا و قیامت ایمان دارد نخواهی یافت که با دشمن خدا و پیامبر دوستی نماید. [۱] لذا، شرط صحت ولایت اهل بیت، دشمنی با کسانی است که غاصب حق خلافت آنان بوده، آنان را آزار داده، به قتل رسانیده، فضائل آنان را انکار کرده اند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در روایتی در شان حضرت علی علیه السلام که اهل سنت نیز نقل کرده اند، فرمودند: لا یقبل الله ایمان عبد الا بولایته و البرائه من اعدائه. خداوند ایمان هیچ کسی را نمی پذیرد مگر اینکه او به ولایت حضرت علی معتقد بوده، از دشمنان او بیزار باشد. [۲] بدین جهت در روایات، آن کس از دوستداران اهل بیت علیهم السلام که با دشمنان اهل بیت دوستی نموده، دوستداران اهل بیت را دشمن بدارد، به دجال [صفحه ۷۶] تشبیه شده، وجود آنان را باعث گمراهی مردم دانسته و فرموده اند: ان ممن یتخذ اهل البیت لمن هو اشد فتنه علی شیعتنا من الدجال از میان کسانی که دوستدار ما اهل بیت هستند کسی است که فتنه او در جمع شیعیان ما از فتنه دجال شدیدتر است. راوی پرسید: به چه جهت؟ ای پسر رسول خدا؟ فرمودند: بموالاه اعدائنا و معاده اولیائنا. زیرا با دشمنان ما دوستی نموده، دوستان ما را دشمن می دارند. [۳] در حقیقت، محبت اهل بیت و اقرار به فضائل آن بزرگواران، اختصاصی به فرقه ناجیه، شیعه اثنا عشری نداشته، بسیاری از دانشمندان اهل سنت همچون ابن شعیب نشانی (م ۳۰۳)، ابن مردویه (م ۴۱۰)، ثعلبی (م ۴۲۷)، ابونعیم (م ۴۳۰)، ابن مغازلی (م ۴۸۳)، حاکم حسکانی (م حدود ۴۷۰)، ابن شیرویه (م ۵۰۹)، خطیب خواندی (م ۵۶۸۰)، ابن عساکر (م ۵۷۳)، گنجی شافعی (م ۶۵۸)، محمد بن طلحه (م

۶۵۲)، سبط ابن جوزی (م ۶۵۴۰)، محب الدین طبری (م ۶۹۴)، میر سید علی همدانی (م ۷۸۶) و... در این امر با ما مشترکند. آنچه جدا کننده اعتقاد شیعی از آنها می باشد، علاوه بر اعتقاد به خلافت ائمه اهل بیت علیهم السلام، توجه به لزوم تبری در کنار تولی است، که بنا بر مدارک فوق، ولایت بی برائت منشا نجات نخواهد بود. پاورقی [۱] سوره مجادله: ۲۳. [۲] المناقب، خطیب خوارزمی: ۳۳ و ۳۲ ح ۲. [۳] صفات الشیعه: ۵۰ ح ۱۴ از حضرت رضا علیه السلام

تنها محبت اهل بیت کافی نیست

تنها محبت اهل بیت کافی نیست اگر چه محبت اهل بیت علیهم السلام خود گوهر گرانقدری است، ولی آن کس که از دوستان اهل بیت بوده، به امامت و خلافت آنان معتقد نباشد (مانند [صفحه ۷۷] بسیاری از دانشمندان اهل سنت) نجات نیافته، به بهشت برین الهی وارد نمی گردد. لذا در روایت مشهوری که سنی و شیعه، متواتر از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل نموده اند، آن حضرت فرمود: مثل اهل بیتی فیکم مثل سفینه نوح من رکبها نجی و من تخلف عنها هلك. اهل بیت من در میان شما مانند کشتی حضرت نوح است، هر کس در آن در آید نجات یابد و هر که از آن تخلف ورزد هلاک می شود. [۱] مثال نقل شده در این روایت که به حدیث سفینه شهرت دارد، بیانگر حقیقت فوق است. زیرا فرزند حضرت نوح علیه السلام با آنکه به پدر علاقمند بود، ولی به علت عدم اطاعت از رهنمود او در عذاب الهی هلاک شد. لذا کسانی که محب اهل بیت علیهم السلام بوده، به مقام خلافت الهی آنان بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اقرار ندارند و دیگران را در این مقام بر آنان ترجیح می دهند، مانند فرزند نوح، نجات نمی یابند. امیرالمومنین علیه السلام در گفتگو با یکی از رهبران یهود، پس از بیان این که ملت یهود به هفتاد و یک فرقه، و مسیحیان به ۷۲ فرقه و مسلمانان به ۷۳ فرقه منشعب خواهند گردید و تنها فرقه ناحیه از میان آنان، پیروان اوصیاء الهی، پس از درگذشت پیامبر آن دین بوده است، فرمودند: ثلاث عشره فرقه من الثلاث و السبعین کلها تنتحل مودتی و حبی، واحده منها فی الجنة و اثنتا عشره منها فی النار. از هفتاد و سه فرقه مسلمان، سیزده فرقه، مودت و محبت مرا [صفحه ۷۸] پذیرفته اند، ولی فقط یکی از آن سیزده فرقه در بهشت بوده، بقیه دوازده فرقه از محبین در جهنم خواهند بود. [۲] این دوازده فرقه از محبینی که نجات نیافته، به جهنم در خواهند افتاد، چه گروههایی هستند؟ با مطالبی که در فصول قبل گفته شد برخی از صفات آنان معلوم می گردد: کسانی که محب اهل بیت بوده ولی امامت آنان را نپذیرفته اند، کسانی که ولایت و امامت اهل بیت را پذیرفته ولی اهل تبری نیستند یعنی با دشمنان اهل بیت دوستی می کنند، کسانی که به تولی و تبری معتقد هستند ولی به همه امامان اثنا عشر ایمان نداشته زیدی یا اسماعیلی هستند، امام زمان حضرت مهدی علیه السلام را نشناخته و درباره آن حضرت تردید دارند، کسانی که به تولی و تبری و چه بسا به ائمه اثنا عشر ایمان دارند ولی در شان اهل بیت غلو کرده آنان را به مقام خدایی رسانیده اند. پاورقی [۱] این روایت را دانشمندان شیعه از ۹۲ کتاب اهل سنت سند داده اند. مراجعه کنید به احقاق الحق جلد ۹ و خلاصه العباقت جلد ۴ و الغدیر جلد ۲. [۲] کتاب سلیم: ۱۷۶ و ۱۷۵ ج ۳۹.

اولویت ولایت، بر دیگر فرائض

اولویت ولایت، بر دیگر فرائض توجه به آیات و روایات نقل شده در فصول گذشته بخوبی می رساند که پس از توحید و نبوت، فریضه ای واجب تر و مهم تر از معرفت و ولایت اهل بیت علیهم السلام در دین یافت نمی شود و حتی بهره گیری از اعتقاد به توحید و نبوت نیز مشروط به این است که فرد، پیرو ولایت ائمه اطهار علیهم السلام باشد و امام زمان خود را بشناسد. اعمال و عبادات او نیز به همین شرط پذیرفته شده، نجات اخروی او نیز مشروط به همین شرط می باشد. لذا زیننده است که [صفحه ۷۹] توجه انسان به ولایت آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین، از هر امر دیگری بیشتر باشد و این امر را خفیف نشمرد. امام صادق علیه

السلام فرمودند: لا تستصغروا مودتنا فانها من الباقيات الصالحات محبت ما را کم نشمیرید زیرا که از مصادیق باقیات صالحات است. [۱] بنا بر این انسان باید همه هم خویش را مصروف به امر ولایت کند، زیرا امام صادق علیه السلام فرمودند: ما استاهل خلق من الله النظر اليه الا بالعبوديه لنا کسی شایسته توجه خدا نمی گردد مگر یا کوچکی در برابر ما. [۲] لذا کسانی که رحمت و عنایت خدا را می طلبند، جز به در خانه امام زمان حضرت بقیه الله علیه السلام مراجعه نمی کنند، زیرا خدای عز و جل فرمود: فاستبقوا الخیرات [۳] حضرت باقر علیه السلام درباره این آیه فرمودند: منظور از خیرات، ولایت است. [۴] به این ترتیب معنای آیه شریفه این گونه خواهد بود: پس بشتابید بسوی ولایت. کسی که رعایت مرزهای اعتقادی را نموده، در حق اهل بیت گرافه گویی نمی کند، هر اندازه در مقام توجه و توسل و کوچکی در برابر آنان قرار گرفته، درجات و مراتب آنان را توصیف کند، نباید تصور کند که زیاده روی کرده است که امام صادق علیه السلام فرمودند: [صفحه ۸۰] لا- تظن انک مفراط فی امرنا مبادا گمان کنی که در ولایت ما افراط کرده ای. [۵] زیرا مقام و فضائل آنها بالاتر از درک و بیان ما بوده، عبادت خدا از طریق اطاعت و محبت و توسل به آنها نیز حدی ندارد. پاورقی [۱] بحار ۷۵: ۲۷ ح ۳. [۲] بحار ۲۹۴: ۲۶ ح ۵۶. [۳] سوره بقره: ۱۴۸ - سوره مائده: ۴۸. [۴] کافی ۳۱۳: ۸ ح ۴۸۷ - بحار ۲۸۸: ۵۲ ح ۳۱۶، ۲۶ ح ۳۶۹، ۱۰ ح ۱۵۶. [۵] صفات الشیعه: ۳۷ ح ۳۷ - بحار ۶۹: ۶۸ ح ۱۲۴.

لزوم تربیت فرزندان بر ولایت آل محمد

لزوم تربیت فرزندان بر ولایت آل محمد آرزوی هر پدر و مادری داشتن فرزندان صالح بوده، دغدغه ذهنی آنها همین نکته و تلاش آنان برای فرزندان خویش نیز در همین جهت می باشد. هنگامی که ما جایگاه اعتقاد به ولایت و معرفت امام زمان علیه السلام را در صحنه تفکر دینی دانستیم، لازم است تا اهمیت ویژه ای به معرفت و تربیت فرزندان خویش در جهت تولی و تبری داده، آن را محور تربیت دینی فرزندان خویش قرار دهیم. یعنی با فراهم آوردن زمینه های معرفت دینی، آنان را با اصول ولایت آل محمد علیهم السلام و منطق شیعه آشنا سازیم. تلاشهای دشمن در طول قرون متمادی را برای نابودی اهل بیت علیهم السلام و اخفاء فضائل و مناقب آل محمد علیهم السلام به آنان گوشزد کنیم. آنان را در مجالس سرور و عزای اهل بیت علیهم السلام شرکت دهیم و به این ترتیب، قلب آنان را از محبت اهل بیت علیهم السلام و تنفر نسبت به دشمنانشان مالا مال گردانیم. باید به آنان پیاموزیم که وحدت سیاسی با اهل سنت در برابر دشمن مشترک، تعارضی با تفکی مرزهای حق از باطل در مقام عقیده نداشته، رفتار امیرالمومنین علیه السلام در این جهت بهترین الگوی عصر ما است. باید به امر ولایت در اعتقادات فرزندان خویش و بروزات بیرونی آن بیشتر اهتمام کنیم که امیرالمومنین علیه السلام بارها فرمودند: [صفحه ۸۱] ایها الناس، دینکم دینکم، تمسکوا به و لا یزیلنکم و لا یردنکم احد عنہ، لان السیئه فیہ خیر من الحسنه فی غیره، لان السیئه فیہ تغفر و الحسنه فی غیره لا تقبل ای مردم، دینتان را مواظب باشید، مبادا کسی شما را از دینتان لغزانده و منحرف کند. زیرا گناه اگر همراه با اعتقاد صحیح باشد، بهتر از حسنه ای است که با عقائد باطل انجام گیرد. زیرا گناهی که با دینداری همراه باشد بخشوده شده، حسنه ای که با انحراف فکری قرین باشد، مورد پذیرش خدا قرار نمی گیرد. [۱] یعنی که پدر و مادر در عین پیگیری و توجه به نماز، تقوا، حجاب و دیگر فرائض فرزندان، باید به معرفت دینی آنان: خداشناسی، پیامبر شناسی، معاد شناسی و بالاخص ولایت و امام زمان شناسی آنان بهای بیشتری داده، هم بیشتری بر آن بگمارند. در روایت دیگری که اهل سنت از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده اند، آمده است: جابر بن عبدالله انصاری، صحابی بزرگوار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در کوچه ها و محله های شهر مدینه می چرخید و می گفت: یا معاشر الانصار، ادبوا اولادکم علی حب علی ای گروه انصار، فرزندانان را بر محبت علی علیه السلام تربیت کنید. [۲] ادبوا اولادکم علی ثلاث خصال: حب نبیکم و حب اهل بینه و علی تلاوه القرآن فرزندان خود را بر سه صفت تربیت کنید: ب علاقه به پیامبرتان و [صفحه ۸۲] بر محبت به اهل بیت پیامبر و بر تلاوت قرآن. [۳]. پاورقی [۱] معانی الاخبار: ۶ و ۱۸۵. [۲] من لا یحضره

الفقیه ۳: ۳۱۸. [۳] جامع الصغیر، سیوطی ۱: ۴۲.

درجات بالاتر ولایت، با تقاضای از خدا

درجات بالاتر ولایت، با تقاضای از خدا برای افزایش معرفت و محبت اهل بیت علیهم السلام باید از خدای متعال تقاضا کرد. در فصل ۱۱ گفته شد که معرفت و محبت اهل بیت علیهم السلام و پیوند و توسل به امام زمان علیه السلام، نعمت، بلکه برترین نعمت خداوند در حق انسان است و اینکه این نعمت، لطف و رزقی است که خدای عز و جل صرفاً به بندگان نیک و برگزیدگان از آنها عطا فرموده است. لذا خدای عز و جل می فرماید: و لکن الله حبیب الیکم الایمان و زینه فی قلوبکم و کره الیکم الکفر و الفسوق و العصیان ولی خداوند شما را علاقمند به ایمان گردانید و ایمان را در قلب شما آراست، و کفر و گناه و نافرمانی را منفور شما گردانید. [۱] امام صادق علیه السلام مصداق ایمان که خدا مومنین را بدان علاقمند ساخته، به اعتقاد امیرالمومنین علیه السلام بیان فرموده، منظور از کفر و گناه و نافرمانی را دشمنان آن حضرت دانسته اند. [۲] خدای عز و جل نیز فرمود: یا محمد الیت علی نفسی و اقسمت علی انی لا- اللهم حب علی بن ابی طالب الا- من احببته به خودم سوگند خورده ام که محبت علی بن ابی طالب را جز به (قلب) کسانی که آنها را دوست دارم الهام نکنم. [۳]. [صفحه ۸۳] و امام صادق علیه السلام فرمودند: محبت ما اهل بیت را خداوند از آسمان، از مخازنی زیر عرش فرو می فرستد که مانند معادن طلا- و نقره بوده، آن را به مقدار مشخص نازل کرده، به بهترین مخلوقات خویش عطا می کند. [۴] اکنون که دانستیم معرفت و محبت اهل بیت علیهم السلام و توجه و پیوند قلبی با امام زمان علیه السلام، لطف و کرامت خدا در حق انسان است، لذا علاوه بر انجام اعمال شایسته که شاید مقدمه این لطف الهی قرار گیرد، باید به خدای متعال استغاثه نمود و برای خود و فرزندان خود، تقاضای مقادیر عظیم تر و بهره وافرتری از این نعمت نمود. همان گونه که امام صادق علیه السلام و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، در دو حدیث گوناگون به ما آموخته اند که بگوییم:...

اللهم عرفنی حجتک فانک ان لم تعرفنی حجتک ضللت عن دینی خدایا معرفت حجت خویش را به من ارزانی کن که اگر معرفت او را به من عطا نکنی، از دینم گمراه خواهم شد. [۵]. [صفحه ۸۵] پاورقی [۱] سوره حجرات: ۷. [۲] کافی ۱: ۴۲۶ ح ۷۱. [۳] بحار ۴۰: ۴۷ ح ۸۳. [۴] تحف العقول: ۳۱۳. [۵] الغیبه نعمانی: ۱۶۶ ح ۶ از امام صادق علیه السلام، کمال الدین: ۵۱۲ ح ۴۳ از حضرت مهدی علیه السلام.

خاتمه

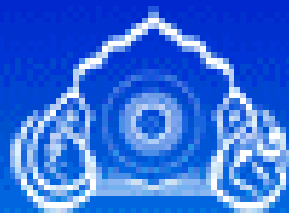
خاتمه خاتمه بحث خود را بخشی از دعای امام رضا علیه السلام درباره امام زمان حضرت مهدی علیه السلام قرار می دهیم که شیعیان را به خواندن این دعا امر می فرمودند. شاید که خداوند متعال، تفضلی کند و به یمن این دعای شریف، ما را از پیروان اهل بیت علیهم السلام و از یاران حضرت مهدی علیه السلام قلمداد فرماید: اللهم اسلک بنا علی یدیہ منهاج الهدی و المحججه العظمی و الطریقه الوسطی، التي یرجع الیها الغالی و یلحق بها التالی خدایا بر دست امام زمان علیه السلام ما را به مسیر هدایت و راه بزرگ و طریقه معتدلی که هر کس که تند رفته و گزاف گفته باید به آن راه بازگشت کند، و آن کس که کند رفته و عقب مانده باید به آن پیوندد برسان. و قونا علی طاعته و ثبتنا علی مشایعته و امنن علینا بمتابعته. و ما را بر پیروی از امام زمان علیه السلام نیرو ده و بر دنباله روی از او ثابت قدم فرما، به متابعت او بر ما منت گذار. و اجعلنا فی حربه القوامین بامرہ الطالبین رضاک بمناصحتہ. و ما را در گروه او - که به امر او قیام کرده، در رکاب او شکیبایی [صفحه ۸۶] نموده، با دلسوزی برای او خشنودی ترا جستجو می کنند - قرار ده. حتی تحشرنا یوم القیامه فی انصاره و اعوانه و مقویه سلطانه. تا اینکه در قیامت ما را در بین یاران و یاری دهندگان و تقویت کنندگان حکومت او محشور گردانی. اللهم و اجعل ذلک لنا خالصا من کل شک و شبهه و رثاء و سمعه حتی لا نعتمد به غیرک و

لا- نطلب به الا- وجهک و حتی تحلنا محله و تجعلنا فی الجنه معه. خدایا تمام این کارها (ئی که در راه پیوند و یاری آن حضرت انجام می دهیم) را خالص از هر گونه تردید و اشتباه و تظاهر و شهرت طلبی قرار ده، تا با انجام آنها جز بر تو اعتماد نکرده، خشنودی غیر ترا نجوئیم، تا (در نتیجه) ما را در مکان او و در بهشت همراه با او جای دهی. و اعذنا من السامه و الکسل و الفتره. و (در مسیر خدمت به امام زمان علیه السلام) ما را از تنگدلی و تبلی و سستی پناه ده. و اجعلنا ممن تنتصر به لدینک و تعز به نصر ولیک و لا- تستبدل بنا غیرنا فان استبدالك بنا غیرنا علیک یسیر و هو علینا کثیر. و ما را از کسانی قرار ده که توسط آنها دینت را یاری داده، پیروزی امام زمانت را توسط آنها بزرگ می گردانی و (در این خدمت) و ما را با دیگری جایگزین مکن، که جایگزین کردن دیگری بجای ما بر تو آسان و برای ما زیاد خواهد بود.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۰۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان

شرکت کننده در جلسه ی) برگزار می‌دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: ۵۳-۵۳۰۹-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۱۸۰-۰۱۳۹۰ IR به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب الی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

